

# سید

گامنامه  
سیاسی  
سدید

يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سديدا

گامنامه سیاسی اجتماعی سدید / سال هفتم / شماره هفدهم  
پاییز ۱۴۰۰ / حوزه بسیج دانشجویی شهید چمران

## ایران فردا

- \* مسیر دو سویه
- \* کوچه پس کوچه‌های شهر
- \* دین‌گریزی
- \* تهاجم فرهنگی
- \* طبیعت در جنگال مخدر و جنگ
- \* ایران و چالش عبور از تحریم‌ها
- \* هزارتوی جامعه
- \* گریز از مرکز دانشگاه
- \* دانشجو جویای هویت
- \* تب بالا

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## شناسنامه ۸:

گاهنامه سیاسی اجتماعی سدید  
صاحب امتیاز: حوزه بسیج دانشجویی شهید چمران  
(دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان)  
مدیر مسئول: محمدحسین حکیم اللهی  
سردبیر: سجاد ابوئی  
شماره این گاهنامه: هفدهم  
عنوان: ایران فردا  
زمان انتشار: پاییز ۱۴۰۰ - آبان ماه  
هیئت تحریریه: حسین آقار/سید مهدی حسینی  
سینا امیری/پیمان مهرابی/هما متین فر  
مطهره سادات هاشمی/کیمیا حکمت روان  
نسترن شجاعیه  
طراح سوالات و هماهنگ کننده مصاحبه: سجاد ابوئی  
میزبان مصاحبه: محسن آقایی  
ویراستار: سجاد ابوئی  
طراح جلد و صفحه آرا: سینا امیری

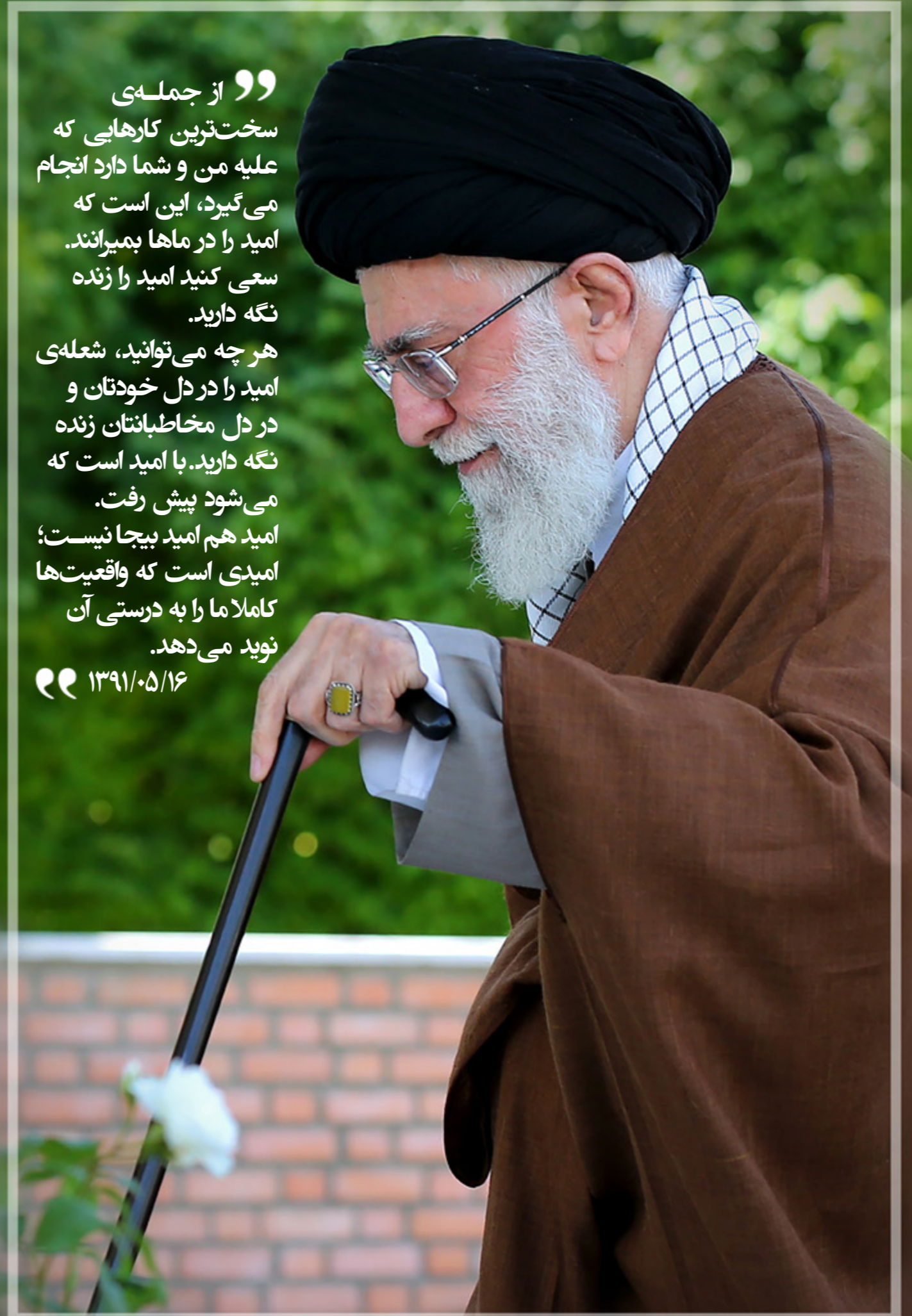
## فهرست مطالب ۸:

- ۴..... سرمقاله
- ۶..... مسیر دو طرفه
- ۷..... هزار توی جامعه
- ۸..... کوچه پس کوچه های شهر
- ۱۰..... گریز از مرکز دانشگاه
- ۱۲..... دین گریزی
- ۱۳..... هویت دانشجو
- ۱۴..... تنهاجم فرهنگی
- ۱۶..... تب بالا
- ۲۲..... طبیعت در چنگال مخدر و جنگ
- ۲۶..... ایران و چالش عبور از تحریم ها



” از جمله‌ی سخت‌ترین کارهایی که علیه من و شما دارد انجام می‌گیرد، این است که امید را در ماها بمیرانند. سعی کنید امید را زنده نگه دارید. هر چه می‌توانید، شعله‌ی امید را در دل خودتان و در دل مخاطبان‌تان زنده نگه دارید. با امید است که می‌شود پیش رفت. امید هم امید بیجا نیست؛ امیدی است که واقعیت‌ها کاملاً ما را به درستی آن نوید می‌دهد.

۱۳۹۱/۰۵/۱۶



# سرمقاله

«گفتاری در باب چالش‌های ایرانِ فردا»



امیرعلی صادقی  
کارشناسی عمران



## قرون

متمادی است که بشر به صورت قراردادی میان سرزمین‌های مورد تسلط خود و مورد تسلط دیگران مرزبندی جغرافیایی انجام می‌دهد تا در حد امکان از حریم زمینی، فرهنگی، منابع طبیعی، مردمان و ... خود محافظت کند. همین موضوع است که امروز کشورها با نام‌ها، فرهنگ‌ها، ایدئولوژی‌ها، روش‌های حکومت و رفتارهای متفاوت را به وجود آورده است. بررسی تاریخ و علت شکل‌گیری فرهنگ‌ها و ملت‌های متفاوت که ریشه اصلی همین تعدد کشورهاست، خود موضوع دیگری است که مجال بیان آن نیست. یک دنیای بدون مرز که همه انسان‌های آن تحت تعلیم یک فرهنگ متعالی باشند، اعتماد و صداقت کامل و همچنین آرامش و صلح میان‌شان برقرار باشد گرچه یک آرمان و آرزو برای انسان روشن‌اندیش است اما واقعیات جهان امروز نشان می‌دهد دستیابی به این مهم جز با ظهور منجی و انسان کامل امکان‌پذیر نمی‌باشد. البته باید از خود پرسید که آیا میهن دوستی تحت هر شرایطی یک ارزش محسوب می‌شود؟ مثلاً فرض کنیم شخصی در یک کشور ظالم که تاریخش مملو از تجاوز به سایر سرزمین‌هاست متولد شده است و مردم و حاکمان آن کشور هم بعضاً بویی از ایمان، انسانیت و بشر دوستی نبرده‌اند. آیا بازهم تحت چنین شرایطی این شخص باید حامی کشور خود و مردم این سرزمین باشد؟ سرزمینی که مردم آن دچار ذات‌الاخلاقی شده‌اند و حتی افراد درستکار را از جهات مختلف تحت فشار قرار می‌دهند.

پس معلوم می‌شود با وجود اینکه علاقه به وطن و احساس پیوند معنوی با زادگاه خویش امری طبیعی و ارزشمند است اما تحت هر شرایطی یک ارزش محسوب نمی‌شود و آنچه به میهن ارزش حقیقی می‌دهد میزان ایمان، اخلاق و اعتقادات مردمان و حاکمان آن سرزمین است. اما در مورد کشور خودمان یعنی ایران چطور؟ به راستی ایران چگونه وطنی است؟ تاریخ ایران، تاریخ پر فراز و نشیبی است.

گاهی در اوج شکوه و عظمت که بناهای تاریخی کم‌نظیر و همچنین ظهور شخصیت‌های تمدنی و پرافتخار نظیر مولانا، ابن سینا، فردوسی، سعدی، خیام، شیخ بهایی، صدرالمتالهین شیرازی، حافظ، خواجه نصیرالدین طوسی و صدها شخصیت دیگر و همچنین بسیاری از شخصیت‌های معاصر نشانه‌ای از همین موضوع است.

البته ایران دوران‌های تلخ هم به خود دیده است. دوران‌هایی سخت و در اوج بحران‌ها. نمونه‌اش قحطی بزرگ در اواخر دوران قاجار که طبق برخی آمارها نزدیک به نیمی از جمعیت ایران در دوران این قحطی به علت کمبود غذا و بیماری از دنیا رفتند. در همین ماجرا اسنادی موجود است که انگلیسی‌ها در این ظلم و جنایت که حقیقتاً یک فاجعه تاریخی است، نقش داشته‌اند. اما ایران امروز چگونه کشوری است؟

۲. مسائل اقتصادی مانند فقر، کاهش ارزش پول ملی، بالا رفتن آمار بی‌کاری، عدم تناسب حقوق با خرج‌های زندگی و همچنین اختلاف قابل توجه حقوق صنف‌های مختلف، وجود موانع بر سر راه تولید ملی، خام فروشی به جای صادرات فرآورده، وابستگی اقتصادی به فروش نفت،

۳. مسائل مرتبط با سلامت محیط زیست مانند جنگل زدایی‌ها، آتش‌سوزی‌های جنگلی، سوء مدیریت در خشکسالی‌ها و مشکلات در حوزه آب، آلودگی هوا،

۴. مسائل مرتبط با امنیت و سلامت در حوزه‌های مختلف مانند خطرات تهدید کننده امنیت غذایی کشور، مشکلات در حوزه سلامت پزشکی،

۵. مسائل سیاسی مانند عدم پاسخ‌گویی مسئولین، مشکلات موجود در ساختارهای بخش‌های مختلف کشور، عدم وجود شایسته‌سالاری کافی جهت به کارگیری نیروهای متعهد و متخصص جوان، وجود بوروکراسی‌های زائد و قوانین دست و پا گیر، عدم شفافیت در تمام مسائل به جز مسائل حساس و نظامی، باز بودن برخی زمینه‌های فساد دولتی،

۶. و در نهایت مسائل فرهنگی و آموزشی که مهم‌ترین آنهاست مانند احساس خلاء معنوی جوانان و نوجوانان، تغییر سبک زندگی جامعه در جهت نامطلوب و خطر از دست‌دادن هویت ملی و اسلامی، سیستم نامناسب حاکم بر آموزش و پرورش (مانند عدم آموزش مهارت‌های زندگی و زیستن، عدم آموزش مهارت تفکر، عدم آموزش خلاقانه ارزش‌ها و باورها به نوجوانان)

همچنین مسئله تجمیع جمعیت، سرمایه و بخشی از امکانات در پایتخت خود یک معضل دیگری است که هم برای خود پایتخت و هم دیگر استان‌ها مشکلاتی ایجاد کرده است و از مصادیق عدم توزیع عادلانه سرمایه و امکانات به حساب می‌آید.

اما حالا که صادقانه تا حد ممکن مشکلات کشور را برشمردیم، باید سمت دیگر ماجرا یعنی پیشرفت‌ها را هم دید و آن را نیز برشمرد. استقلال و عزت ملی آرزویی بود که پس از انقلاب محقق شد و می‌توان تقریباً به جرات گفت هر کشوری اگر پیشرفت‌های مادی‌اش بر این موضوع یعنی استقلال استوار نباشد، پیشرفت حقیقتی نداشته است. چراکه پیشرفتی قطعاً ماندگار است که متکی به استقلال باشد. طبق آمارها مدت قابل توجهی پیشرفت علمی کشور با شتاب بی‌نظیری جهش پیدا کرد و حتی

این رشد و شتاب به رتبه اول در دنیا رسید. از دیگر پیشرفت‌ها باید به رشد‌های کمی و کیفی نظامی جهت دفاع از تمامیت ارضی کشور و همچنین دفاع از مظلومان در منطقه و برخی نقاط دیگر جهان اشاره کرد که در این مورد افتخارات شهید سلیمانی و سایر شهیدان و مبارزان در مبارزه با داعش و تروریسم در منطقه مقابل چشم همگان است.

توسعه زیرساخت‌های عمرانی و بنیادین کشور در حوزه‌های مختلف نیز از مسائلی است که می‌توان به آن اشاره کرد. همچنین طی سال‌های پس از انقلاب حضور بانوان سرزمین‌مان در عرصه‌های مختلف علمی، ورزشی، دانشگاهی و... حقیقتاً رشد قابل توجهی داشته است.

به صورت اجمالی می‌توان افزایش نقش مردم در حکومت، رشد قابل توجه نیروی انسانی متخصص و با استعداد، دسترسی پیدا کردن تعداد قابل توجهی از روستاهای کشور به امکانات رفاهی اولیه، خودکفایی در برخی از کالاهای اساسی و استراتژیک مانند گندم، پیشرفت کمی و کیفی آثار فاخر هنری، هشت سال مجاهدت بی‌نظیر در دفاع مقدس و به ماندگار ماندن شهدا به عنوان الگوهایی بی‌بدیل در دفاع مقدس، دستیابی به تکنولوژی نانو و همچنین پیشگام در مسئله سلول‌های بنیادین، پیشرفت‌های قابل توجه در داروسازی و پزشکی، نیز اشاره کرد.

گرچه ناگفته نماند که کشور ما مدام تحت فشارهای متعدد خارجی مانند هشت سال جنگ تحمیلی، فشارهای اقتصادی و گاه‌ها غفلت مسئولینی بوده است که ایران امروز ما را از آنچه می‌بایست باشد عقب انداخته است. خصوصاً در زمینه «عدالت» که این مسئله مورد تأکید رهبر انقلاب نیز بوده است. هشت سال دوران دفاع مقدس از شگفتی‌های دوران ماست که به لطف رشادت بی‌نظیر جوانان متعهد، با غیرت و متکی به ایمان این مرز و بوم، علی‌رغم تمام ناجوانمردی‌های جبهه مقابل و صف آرای بی‌شماری از کشورها در مقابل ایران و حمایت علنی و غیرعلنی‌شان از رژیم بعث عراق، سرانجام با پیروزی وطن‌مان به پایان رسید.

اکنون موضوع نهایی که باید به آن بپردازیم «ایران فردا» است. آیا برای فردای ایران‌مان، تمام روزنه‌های امید بسته شده است و دیگر نمی‌توان به «تحول» و «جهش» کشور امید داشت؟ آیا با توجه به اصول اصلی انقلاب و اسلام، همچنان

ایران فردای ما، گام‌هایی است در جهت رفع مشکلات ذکر شده و سپس گام‌هایی فراتر در جهت فراهم کردن یک شرایط مطلوب و یک آرمان شهر اسلامی که در آن زمینه‌های لازم رشد معنوی و مادی انسان‌ها محقق شده است.

می‌توان امید به تغییر داشت و رنگ روزهای خوش و درخشان را دید؟ تجربه تاریخی نشان داده است که هیچوقت دیر نیست و هرگز برای تلاش در جهت اصلاح و تحول شرایط نباید ناامید شد. نه تنها تجارب تاریخی اسلامی و سایر تاریخ‌ها، بلکه اصول اسلامی ما نیز بر امید داشتن تحت هر شرایطی تأکید می‌کند و به ما می‌گوید که باید برای تحول و ایجاد شرایط مطلوب همیشه در تلاش بود.

چنانکه طبق آمارهای رسمی داخلی و بین‌المللی، ایران امروز ما علی‌رغم تمام مشکلات فعلی، ظرفیت‌های طبیعی بی‌نظیر، زیرساخت‌های فراوان و ظرفیت‌های انسانی بسیار قابل توجه و مستعدی دارد که با یک مدیریت صحیح و جهادی، «تحول» و «جهش» امری کاملاً امکان‌پذیر و قابل دسترس است.

پس از انقلاب اسلامی، که حقیقتاً در سرنوشت و تاریخ ایران و حتی تمام دنیا تأثیرگذار بوده است و خواهد بود، افق تازه‌ای برای ایران ترسیم شد که نقطه آغاز آن ایجاد یک «نظام اسلامی» و سرانجامش رسیدن به «تمدن نوین اسلامی» است. ایران فردای ما، گام‌هایی است در جهت رفع مشکلات ذکر شده و سپس گام‌هایی فراتر در جهت فراهم کردن یک شرایط مطلوب و یک آرمان شهر اسلامی که در آن زمینه‌های لازم برای رشد معنوی و مادی انسان‌ها محقق شده است. حال که پس از «انقلاب اسلامی»، «نظام اسلامی» در این مرز و بوم ایجاد شده است، باید با توکل بخدا و درس از اشتباهات گذشته، مشکلات و دلایل آن‌ها را به دقت شناسایی کرد و طبق برنامه ریزی دقیق، با مجاهدت شبانه روزی و خالصانه کامل، گام‌های لازم جهت تحقق «دولت اسلامی»، «جامعه اسلامی» و در نهایت «تمدن نوین اسلامی» را با نهایت دقت و سنجش برداشت تا ان شاءالله زمینه‌های لازم جهت ظهور منجی بشریت ایجاد شود.



# سیر دوسویسه

« بازخوانی الزامات رابطه حاکمیت با مردم »

نسترن شجاعیه  
کارشناسی حقوق



## رابطه حکومت با مردم

حکومت با مردم رابطه ای دو سویه و متقابل است. حکومت موظف است به وظایف و مسئولیت های خود در قبال مردم و تامین خواسته ها و حقوق مردم در حوزه های مختلف عمل نماید و شرایط برای رشد و رفاه آنان را فراهم سازد؛ مردم نیز لازم است با حکومت مشارکت و همراهی داشته باشند. البته وظایف و مسئولیت های حکومت بسته به الزامات و مبانی فکری حاکم بر آن متفاوت می باشد. در حکومت های غیردینی که نگاه مادی حاکم است، اهداف و وظایف حکومت در تامین نیازهای عمومی جامعه و ایجاد رفاه مادی خلاصه می شود. اما در حکومت های دینی در کنار توجه به نیازهای مادی و تامین آن ها، رشد و تعالی معنوی نیز از وظایف و مسئولیت های حکومت محسوب می شود. حکومت باید در مسیر هدایت و ایجاد بستری مناسب جهت رشد معنوی جامعه و ترویج ارزش های دینی گام بردارد.

از این رو خداوند وظیفه حکومت اسلامی را این گونه ترسیم فرموده است: ((الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و اتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور)) (همانا کسانی که اگر در زمین استقرارشان دهیم، نماز به پا دارند و زکات دهند و به معروف و نهی منکر باشند. مبادا هرگز، به مانند او دارند و از منکر بازدارند، سرانجام همه کارها



با خداست)). از نظر اسلام در حکومت اسلامی رابطه حکومت با مردم بسیار فراتر از رابطه مادی و خشک حکومت های غیردینی با مردم بوده. حکومت و دولت اسلامی ابزاری تلقی می شود برای اجرای دستورات الهی و از آن جمله برپایی ارزش های ناب اسلامی و ترویج آن، برقراری نظم و ایجاد امنیت داخلی و خارجی، تامین رفاه و خیر عموم، از بین بردن ظلم و بی عدالتی و...

از دیدگاه اسلام و معصومین (ع) حکومت اسلامی تنها در صورتی برای حاکم اسلامی ارزش دارد که وسیله ای باشد برای احقاق حقوق از دست رفته مظلومان و خدمت به محرومان و نیازمندان، و در یک جمله امدادسانی در جهت رشد و تعالی مادی و معنوی بندگان ضعیف پروردگار. همانگونه که امیرالمومنین (ع) فرمودند: ((خدایا

تو می دانی آن چه از ما رفت، نه به خاطر رغبت در قدرت بود، نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت، بلکه می خواستیم نشانه های دین را به جایی که بود بنشانیم و اصلاح را در شهرهای ظاهر گردانیم تا بندگان ستم دیده ات را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع مانده ات اجرا گردد)).

((نهج البلاغه خطبه ۱۳۲)) حکومت در این نگاه امانت و فرصتی برای خدمت محسوب می شود. حضرت فرمودند: ((فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن تو است. و تو تحت نظر مافوق خود می باشی. حق نداری درباره رعیت استبداد به خرج دهی و نه به کار به عظیمی اقدام کنی مگر اطمینان داشته باشی که از عهده اش بر می آیی.))

((نهج البلاغه نامه پنجم)) مهربانی و محبت در برخورد کلی حکومت با مردم محوریت دارد همان گونه که امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر می فرماید: ((مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار بده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، به مانند حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو و دسته ای دیگر همانند تو در آفرینش اند)).

((نهج البلاغه نامه ۵۳)) از این رو تعبیری که در مورد حاکم اسلامی به کار برده می شود، تعبیر ((ولی)) است که بیانگر نوعی ارتباط معنوی میان مردم و حاکم اسلامی است.

از دیدگاه اسلام و معصومین (ع) حکومت اسلامی تنها در صورتی برای حاکم اسلامی ارزش دارد که وسیله ای باشد برای احقاق حقوق از دست رفته مظلومان و خدمت به محرومان و نیازمندان، و در یک جمله امدادسانی در جهت رشد و تعالی مادی و معنوی بندگان ضعیف پروردگار. همانگونه که امیرالمومنین (ع) فرمودند: ((خدایا

تو می دانی آن چه از ما رفت، نه به خاطر رغبت در قدرت بود، نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت، بلکه می خواستیم نشانه های دین را به جایی که بود بنشانیم و اصلاح را در شهرهای ظاهر گردانیم تا بندگان ستم دیده ات را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع مانده ات اجرا گردد)).

((نهج البلاغه خطبه ۱۳۲)) حکومت در این نگاه امانت و فرصتی برای خدمت محسوب می شود. حضرت فرمودند: ((فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن تو است. و تو تحت نظر مافوق خود می باشی. حق نداری درباره رعیت استبداد به خرج دهی و نه به کار به عظیمی اقدام کنی مگر اطمینان داشته باشی که از عهده اش بر می آیی.))

((نهج البلاغه نامه پنجم)) مهربانی و محبت در برخورد کلی حکومت با مردم محوریت دارد همان گونه که امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر می فرماید: ((مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار بده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، به مانند حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو و دسته ای دیگر همانند تو در آفرینش اند)).

# هزارتوی جامعه

« یادداشتی در باب معضلات اجتماعی گریبانگیر جامعه ایران »

کیمیا حکمت روان  
کارشناسی حقوق



قوی سیاست را تحت الشعاع قرار می دهد و فرهنگ را تعیین می کند. البته در پراتز خالی از لطف نیست که بیان شود ترویج ازدواج سفید در کشوری که فرهنگ موثر از غرب ندارد، می تواند به اقتصادی مرتبط شود که حال مساعدی ندارد و جوانان نیز مسئولیت و تعهد نمی پذیرند و شانه خالی می کنند.

در زمانه ای که جوانان بیشتر در معرض این خطرات هستند، دولت مردان و جامعه و از همه مهم تر خانواده باید تصمیم بگیرند که چگونه تربیت کنند و چگونه به راه درست هدایت نمایند.

به عنوان جوانی که تمامی دغدغه اش کشوری است که نامی جهان و متمن تر از هر سرزمین دیگری است، مسئله ای جوانان مسئله ای مهم است. چرا که در همین جامعه زاده شدم و آرزو دارم که ایران من به دور از این مشکلات باشد. چرا که لایق این همه نابودی و معضلات نیستیم.

## جامعه

متشکل از انسان ها و قومیت هایی است که در فرهنگ و اعتقادات، محیط و تربیت با هم متفاوت هستند و این جامعه ی رنگارنگ با همین تفاوت هاست که مورد توجه قرار می گیرد و بررسی و تحلیل آن برای ما و هر انسانی مهم است. یک جامعه بزرگ و متنوع از نظر قومیت و دیدگاه همیشه با ناهنجاری ها و چالش های بزرگ روبه رو است. جامعه بعد از خانواده مهم ترین رکن اساسی در تربیت و پرورش انسان است. در دنیای بزرگ ما، جوامع گوناگون با فرهنگ ها و ناهنجاری های متفاوت وجود دارند. در هر یک از این جوامع الگوها، ناهنجاری ها، ارزش ها و دیدگاه ها متفاوت است. پس ما نمی توانیم الگوی متحدالشکلی برای هر جامعه به وجود آوریم.

اکنون می توانیم نگاهی گذرا به جامعه رنگارنگ و پر قومیت ایران با فرهنگ های متفاوت بیندازیم. ایران با فرهنگی هزاران ساله جز یکی از با فرهنگ ترین کشورهای دنیاست که تمدن در

# کوچک‌پس‌های هوش

«تحلیل و بررسی امنیت اجتماعی در چارچوب مدنی ایران»



مطهره سادات هاشمی  
کارشناسی مترجمی زبان



چکیده

جدایی ناپذیر زندگی ما انسانها، نیاز است. از این رو جوامع همواره با تامین نیازهایی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و... روبرو هستند. اما برخی نیازها مانند امنیت جنبه‌ای زیر بنایی دارند.

جایگاه امنیت به حدی چشمگیر است که فقدان آن ممکن است دیگر نیازها را هم تحت الشعاع قرار دهد و تنها در سایه‌ی برخورداری از آن است که انسان فرصت رفع نیازهایش را پیدا می‌کند و بستری مناسب برای بروز و شکوفایی استعدادها خواهد بود.

در دنیای امروز جامعه و بشریت خسته از تهدیدها و اضطراب هاست و بیش از هر چیزی به دنبال آسایش، آرامش و امنیت است.



مقدمه

امنیت دارای ابعاد و انواع مختلفی است و هر یک مبحثی جداگانه هستند؛ اما در یک تقسیم بندی کلی به امنیت فردی و امنیت اجتماعی تقسیم می‌شوند و آن را می‌توان در حوزه فرد و اجتماع که کاملاً بهم مرتبط هستند مورد بحث و بررسی قرار داد. محقق ساختن امنیت اجتماعی وابسته به ایجاد امنیت فردی است.

امنیت اجتماعی معمولاً داخل کشور بین مردم و افراد جامعه صورت می‌گیرد اما اکنون و با گسترش فرآیند جهانی شدن معنای بین کشوری پیدا کرده است. با تحقق یافتن امنیت فردی افراد جامعه برای تحکیم این امنیت ناگزیر از

شرکت در اجتماعات است که تحت عنوان امنیت اجتماعی می‌باشد. از سوی دیگر کشورهای جهان سومی دچار شدیدترین ناامنی‌های اجتماعی نسبت به کشورهای پیشرفته هستند که به دلیل شکل‌بندی جامعه شناختی و تاریخی آن‌هاست. در ادامه به مطالعه و بررسی معضلات این کشورها و مقایسه با معضلات جاری کشورهای پیشرفته و کشور خودمان می‌پردازیم.



بررسی امنیت فردی و اجتماعی

«امنیت» از جمله موضوعاتی است که دارای انواع مختلفی می‌باشد و دانشمندان علم جامعه شناسی برای آن انواعی را برشمرده‌اند که می‌توان به: امنیت روانی، شفلی، خانوادگی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امثالهم اشاره کرد که هر یک مبحثی مجزاست؛ اما در یک تقسیم بندی کلی به دو نوع «امنیت فردی» و «امنیت اجتماعی» تقسیم می‌شود.

یعنی هنگامی که بحث از امنیت به میان می‌آید، آن را هم در حوزه فرد و هم در حوزه اجتماع باید در نظر داشت و البته آن‌چه آشکار است این است و ظاهراً دو مقوله جدا از یکدیگرند ولی در حقیقت کاملاً مرتبط هستند، به نحوی که ایجاد امنیت اجتماعی، بدون توجه به علل ایجاد امنیت فردی به ثمر نخواهد نشست.

از این رو با توجه به دیدگاه دانشمندان علم جامعه شناسی «امنیت فردی» در گرو «امنیت اجتماعی» است.

عواملی که امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند شامل هویت و ارزش‌های مورد احترام مربوط می‌شود و در آن «ما»یی یک هویت توسط هویت دیگر مورد حمله قرار می‌گردد.

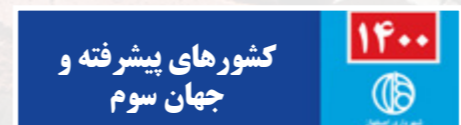
اینگونه تهدیدات معمولاً در محدوده داخل کشور اتفاق می‌افتد، اما اخیراً با گسترش فرآیند جهانی شدن، تهدید اجتماعی معنای بین کشوری هم یافته است. روند صعودی مهاجرت، مسافرت، تجارت، ارتباطات و... باعث تلقی تهدید اجتماعی، به مثابه تهدید سیاسی و حتی تهدید امنیت ملی شده است.

پس از تحقق امنیت فردی، افراد برای تحکیم

امنیت و جایگاه خود باید در اجتماعات و گروه‌های مختلف شرکت کنند که تحت عنوان امنیت اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد. در امنیت اجتماعی احساس امنیت گروه‌های اجتماعی، معیار سنجش سطح امنیت است. اگر جمعیت تشکیل‌دهنده یک کشور، نسبت به ارزش‌های حیاتی مانند تمامیت ارضی و رژیم سیاسی احساس تعلق کرده و در پاسداشت و پیشرفت هویت ملی بکوشند، انسجام اجتماعی محقق می‌شود.

اما اگر گروه‌های مختلف جامعه، اطمینان خاطر خود نسبت به سلامت جامعه را از دست بدهند و با تکیه بر وجوه تمایز مذهبی، دینی و قومی، در مشروعیت ارزش‌های حیاتی تردید کنند، آن‌گاه نظام اجتماعی جامعه از هم گسیخته می‌شود و زمینه برای جنگ داخلی، مداخله خارجی، بی‌اعتمادی و امنیتی شدن مسائل عادی مهیا می‌شود.

امنیت اجتماعی به معنای تمهید فضا و ابزارهای لازم برای ابراز وجود و طرح نظر گروه‌های مختلف اجتماعی از قبیل زنان، جوانان، اقوام و اقلیت‌ها، هنگامی موثر و مطرح است که به عنوان یک امر گریزناپذیر یا یک ارزش پذیرفته شود. مفهوم رضایت اجتماعی نه تنها خاستگاه و پایگاه اجتماعی امنیت را برجسته ساخته، بلکه درجه قوت دولت‌ها هم به مشروعیت سیاسی و آن‌ها بستگی یافته است.



کشورهای پیشرفته و جهان سوم

بحران‌های جاری در کشورهایی چون اوکراین، لبنان، عراق و افغانستان و نیز آمریکا ستیزی پنهان که در آسیا و سایر قاره‌ها ریشه دوانده، نتیجه بی‌توجهی به بافت گروه‌های اجتماعی است، گروه‌هایی که ارزش‌های سیاسی را تعریف می‌کنند و نسبت به گذشته نقش برجسته‌ای در تعریف و اجرای سیاست‌های دولت‌ها پیدا کرده‌اند.

بسیاری از کشورهای جهان سوم شاهد حجم عظیمی از ناامنی اجتماعی مانند حذف هویت‌ها، بی‌اعتمادی، اعتیاد، ابتلاء به بیماری‌های

خطرناک و کشنده، باندهای تخریب و کشتار و دزدی و مواردی از این دست می‌باشند. آمارها نشان می‌دهند که کشورهای جهان سوم با دشواری‌های قابل توجهی در شناسایی، ایجاد و توسعه امنیت اجتماعی مواجه هستند.

هرچند بسیاری از این ناامنی‌ها حاصل شکل‌بندی جامعه شناختی و تاریخی ساکنان این کشورها است، اما با این حال به نظر می‌رسد ورود به عرصه جدید مناسبات جهانی و برخورداری از تکنولوژی‌های پیشرفته سبب کاهش کنترل‌های اجتماعی دولت شده و نوع، میزان و اثرگذاری آسیب‌ها و ناامنی‌های اجتماعی بیشتر شده است.

گسیختگی از کانون‌های کنترل سنتی (مانند سست شدن کنترل والدین بر فرزندان) و افزایش چشمگیر رسانه‌های آسان، ارزان و پرسرعت سبب شده‌اند تا کشورهای جهان سوم در کنار مجموعه‌ای از معضلات ملی، گرفتار دغدغه‌های اجتماعی هم بشوند. این دغدغه‌ها، همان‌گونه که گفته شد جامعه و به طور واضح گروه‌های مختلف اجتماعی را هدف گرفته است. به عنوان مثال گروه زنان، گروه جوانان، گروه‌های قومی - مذهبی و یا گروه بازنشستگان و سالخوردگان در معرض آسیب‌های خطرناکی چون فریب، اسارت، اعتیاد، حذف، تحریف و محرومیت قرار دارند.

با تغییر نقش و وزن گروه‌های مرجع و به طور کلی نابودی رضایت باطنی (امید، عشق و تواضع)، رفتارهای خشن را در جوامع جهان سوم به مرز غیرقابل مهارتی رسانده است. علاوه بر خشونت‌ها و کشمکش‌های آشکار، بیشتر کشورهای در حال توسعه به مکانی ناامن برای زندگی بدل گشته‌اند و علت کلیدی آن هم وجود فقر مزمن، نداشتن افق روشن برای زندگی، تبعیض‌های گسترده بین ساکنان جامعه، آلودگی، رشد سریع جمعیت و کیفیت وخیم زندگی می‌باشد.

مطالعه معضلات فوق و مقایسه آن‌ها با معضلات جاری کشورهای پیشرفته از تفاوت‌های اساسی در مسائل امنیتی جهان سوم و کشورهای پیشرفته خبر می‌دهند. این تفاوت علاوه بر سطح ملی در سطح اجتماعی هم به چشم می‌خورد.

اصلی‌ترین معضل کشورهای جهان سوم نه پیری که جوانی جمعیت است. در غالب کشورهای جهان سوم بیش از نیمی از جمعیت زیر ۳۲ سال سن دارند. این بافت جوان، نیازها و سیاست گذاری خاصی را ایجاد می‌کند.

نیازهایی از قبیل اشتغال، تحصیل، تربیت بدنی، مهاجرت و مسافرت، تفریح مناسب، یادگیری اجتماعی و نیازهای متعدد دیگر، تبعات امنیتی غیرقابل کنترلی برای کشورهای جهان سوم دارند. اما سیاست‌گذاران جهان سومی معمولاً از فرصت و قدرت لازم برای پرداختن به این آسیب‌پذیری‌ها برخوردار نیستند و به واسطه سلطه درک رئالیستی و اولویت امنیت (وجودی) بر آینده نگری، اغلب دغدغه‌ها به حملات نظامی خارجی و براندازی

خشن قدرت‌های رقیب معطوف است. افریسی و جهان سوم و بررسی مقایسه‌ای آن دو، این نتیجه را بدست می‌دهد که موضوع امنیت اجتماعی در نزد آن دو، مجموعه‌ای متفاوت است.



امنیت اجتماعی در ایران

موضوع امنیت اجتماعی در ایران فقط مختص گروه نیست؛ بلکه فرد نیز به عنوان عضو گروه و یکی از افراد سازنده جامعه شامل مسئله‌ی امنیت اجتماعی می‌شود.

همچنین افراد و اجتماعات، هم دغدغه موجودیتشان را دارند و هم نگران هویت و انسجام جمعی خود می‌باشند.

عوامل اصلی امنیت اجتماعی

در ایران با فرض نسبی بودن، تنوع، قابل کنترل بودن، تغییر و چند وجهی بودن مفهوم امنیت اجتماعی در ایران، مهمترین دغدغه‌های ایرانیان (در سطح فردی و گروهی) به ترتیب نقش موثر، عبارتند از:

فقر اقتصادی، اعتیاد، خشونت خانوادگی، فساد و فحشا، بی‌اعتمادی، هویت خواهی، تبعیض، نظام تأمین اجتماعی، جنایات سازمان یافته، مسائل زنان، بیماری‌ها و اختلالات روانی. امنیت اجتماعی و عواملی که در بالا ذکر شد مانند انسجام گروهی، نظم عمومی، سلامتی جامعه و مهارت افراد، امید به زندگی و امنیت هویت، نقش مهمی در بقاء و بالندگی ملتها دارند.



نتیجه گیری

دست یافتن یک جامعه به امنیت در گرو محقق شدن امنیت فردی است. چنانچه در جامعه‌ای امنیت فردی محقق نشود برای مثال؛ زیر ساخت‌ها برای جوانان یک جامعه فراهم نشود آن کشور به مشکل برمی‌خورد پس نمی‌توان انتظار داشت امنیت اجتماعی محقق شود. برای دست یابی به امنیت اجتماعی باید تهدیدها را از بین برد و از فرصت‌ها برای تحقق این مهم به نحو احسن استفاده شود.

در امنیت اجتماعی احساس امنیت گروه‌های اجتماعی، معیار سنجش سطح امنیت است.



# گریز از مرکز دانشگاه

« آسیب‌شناسی معضلات فرهنگی اجتماعی دانشجو در دوران دانشگاه »

سینا امیری  
کارشناسی عمران



**وارد** دانشگاه که شدی، فکر می‌کنی که دیگر تمام شده و اینجا آخر خط است؛ یعنی انتهای دوران نوجوانی رسیده و اکنون می‌توانی همچون پدر، مادر و بزرگان تبعیضی و در راستای افکار گام برداری. البته این را هم می‌دانی که هنوز حال و هوای دوران دبیرستان برایت تازگی داشته و دوست داری همان حس و حال را در دانشگاه نیز تجربه کنی. اما دریغ از آنکه تازه دوران دانشجویی‌ات شروع شده و این اول راهی پر پیچ و خم و آغاز جاده‌ای پر تلاطم در زندگانی‌ات می‌باشد. جاده‌ای که پر از آزمون و خطاهای بزرگ و پر از چالش‌های هیجان‌انگیز است. بسیاری از ما با ورود به دانشگاه با اینکه اغلب یا هنوز حال و هوای دبیرستان را داشته یا به بزرگسال شدنمان می‌بالیم، ترم اول خود را آغاز کرده و دریغ از آنکه دانشگاه راه ورود ما به دوران بزرگسالی و آغاز امتحانات بزرگ زندگی‌مان بوده خوشحال و سرخوش به دانشگاه آمده و در آن روزگارمان را سپری می‌کنیم.

اما این همه ماجرا نیست و کم‌کم اگر با فضای دانشگاه و دانشجو بودنمان آخت بگیریم دچار چالش‌ها و آسیب‌های جدی شده و در یک کلام به قول مرسوم، دانشگاه و محیط آن ما را پس می‌زند. حال باید چه کرد که از آسیب ذکر شده دور شد تا دامن ما را نگیرد؟

اصولاً با ورود شخص به دانشگاه و دانشجو شدنش تعدادی از چالش‌ها در مسیر وی وارد شده که اگر با عقلانیت و استفاده از تجارب گذشتگان آن‌ها را پشت سر نگذارد، آسیب‌های جدی‌تری بر وی خواهد شد. آسیب‌هایی که هویت دانشجویی و آینده وی در جامعه مدنی را دچار تهدیدهای بی شماری خواهد نمود. با توجه به اهمیت و لزوم بررسی آسیب‌های ذکر شده، به دو نمونه از آسیب‌های جدی که با ورود شخص به دانشگاه ممکن است به وی وارد شود، می‌پردازیم و در حد دانش ناچیزمان چند راهکار برای برون رفت از بحران‌های ذکر شده ارائه خواهیم کرد.

## ۱- بحران فرهنگی و اجتماعی

یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که با ورود دانشجو به فضای دانشگاه گریبانگیر وی می‌شود بحران‌های فرهنگی و اجتماعی است که این معضلات در قالب مسائلی همچون بحران هویت و فساد اخلاقی ممکن است در شخص بروز دهد. از آنجا که دانشگاه محل تحصیل افراد مختلف

از اقشار جامعه با خرده فرهنگ‌های متفاوت بوده و تنوع فرهنگی و قومیتی در میان افراد موج می‌زند، لذا دانشجو در بدو ورود به دانشگاه با بحران چند فرهنگی از قومیت‌ها و اقشار مختلف درگیر شده و عدم تثبیت فرهنگی ثابت در روحیه و منش فرد ضربات جبران‌ناپذیری را به شخص وارد خواهد آورد.

این ضربات غالباً خود را به صورت معضلی مثل بحران هویت در فرد جلوه داده، به گونه‌ای که دانشجو از زمان ورود به دانشگاه تا قبل از خروج و پایان تحصیل با هویت خویش به عنوان دانشجو نمی‌تواند به راحتی برخورد کرده یا خود را در میان اقشار مختلف جامعه جای بیاندازد، لذا احتمال برون رفت وی از بحران ذکر شده به کمترین حالت ممکن خواهد رسید.

یکی دیگر از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی که ممکن است دانشجو با آن درگیر شود بروز فساد اخلاقی در دانشگاه می‌باشد. این معضل که به خودی خود انواع متفاوتی را شامل شده، ناشی از عدم آموزش صحیح و فرهنگ سازی مناسب می‌باشد. از آنجا که نظام آموزشی در ایران در مدارس تا قبل از دانشگاه تکیه بر جدا سازی

باید فرهنگ سازی‌ها از فضای دانشگاه توسط نهادهای دانشجویی شروع شود و باید در قالب برنامه‌های متفاوت فرهنگی و آموزشی، دانشجوی تازه وارد به فضای دانشگاه را از مسائل اخلاقی و بحران‌های پیش رو آگاه کند.



## ۲- بحران سیاسی

از آنجا که دانشگاه محلی مناسب برای فضای مطالبه‌گری و فعالیت‌های تشکلی سیاسی و دانشجویی بوده، دانشجو با ورود به این فضاها تجربه‌های کثیری در زمینه‌های مختلف تشکلیاتی کسب می‌نماید. اما همواره آفتی که تشکلیات سیاسی و دانشجویی برای دانشجو به همراه داشته، ایجاد بحران سیاسی در تفکرات و خط مشی سیاسی فرد می‌باشد. به گونه‌ای که تعدد تشکلیات مختلف با جناح‌گیری‌ها و ظرفیت‌های متفاوت دانشجو را دچار سردرگمی در تفکرات سیاسی می‌کند. تضارب در بین تشکلیات و تفکرات مجموعه‌ها، همواره باعث و بانی پیشرفت فضای دانشگاهی شده اما تعدد زیاد تشکلیات در فضای دانشجویی و سردرگمی فکری، دانشجو را سیاست زده می‌کند یا گاهی این امکان وجود داشته که تشکلیات در انجام برنامه‌های فرهنگی و سیاسی خویش دچار موازی کاری شوند و این خود یک آسیب جدی به شمار می‌رود. بدین سبب همواره شاهد آئیم که با وجود پرتطرفداری برنامه‌های سیاسی در دانشگاه‌ها، دانشجو نتوانسته خط مشی و تفکری

کمی با فضای فکری وی نزدیک تر بوده را پیدا نموده، فلذا از فضای سیاسی دوری می‌جوید.

**نتیجه‌گیری**

با ورود دانشجو به فضای آکادمیک دانشگاه وی دچار بحران و سردرگمی‌های مختلف خواهد شد. در حل بحران‌های ذکر شده تکلیفی که بر دوش تشکلیات سیاسی، کانون‌های فرهنگی - اجتماعی و انجمن‌های علمی قرار گرفته بسیار مهم است. این تشکلیات، کانون‌ها و انجمن‌ها در راستای شفافیت فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و علمی با مطالبه‌گری در دانشگاه می‌توانند جلسات توجیهی مختلف در قالب برنامه‌های متفاوت جهت روشن سازی افکار دانشجو و شفافیت فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و علمی خود برگزار نموده تا دانشجو را از سردرگمی نجات دهند. مسائل ذکر شده تنها گوشه‌چشمی از آسیب‌هایی است که امکان دارد دانشجو در بدو ورود به دانشگاه تا زمان فارغ التحصیلی، با آن‌ها دست و پنجه نرم کند. فلذا بهتر است با فرهنگ سازی مناسب و استفاده از ظرفیت‌های دانشجویی نسبت به آگاه سازی وی و درمان بحران‌های پیش روی وی کوشا باشیم.

# دین‌گریزی

« بررسی چرایی گریز جوانان از دین و مذهب »



محمد مهی حسینی  
طلبه



پدیده‌ای است که در عصر دین‌گریزی حاضر بخش عمده‌ای از جهان را فرا گرفته و اصلا به دین و مذهب خاصی مرتبط نیست. هرچند دین‌گریزی در جوامع اسلامی در فضای رسانه‌ای بیشتر نشان داده می‌شود اما این مسئله کاملا همگانی و جهان شمول است. انسان ذاتا و فطرتا مشتاق به دین است و دین با فطرت انسان پیوند ناگسستنی دارد. شاید بگویید این حرف را از کدام مبنا می‌گویید؟ توجه همگان به دین و پرستش خدا خود دلیل محکمی بر این ادعا است. چرا که شما غالب جوامع را می‌بینید که روی به دین و پرستش آورده‌اند. آن کسانی که دین الهی به آن‌ها رسیده، یکتا پرست شده‌اند و آن کسانی هم که دین الهی به آن‌ها نرسیده، روی به پرستش جمادات و جهالت آورده‌اند. این پرستش‌ها خود نشان دهنده‌ی این پیوند فطری انسان‌ها است. اما سوال اینجاست که انسانی که این‌گونه با دین پیوند تکوینی دارد چه می‌شود که دین‌گریز می‌گردد؟ قبل از پاسخ دادن به این سوال باید این نکته را مدنظر قرار داد که در دین الهی هیچ مسئله و عنصر گریزاننده‌ای وجود ندارد، و کسی که به فهم کامل و صحیح از دین دست یافته هیچ‌گاه از دین گریزان نمی‌شود. لذا باید دلایل دین‌گریزی را در خارج از قلمرو دین کاوش کرد. وقتی درباره دلایل دین‌گریزی تامل کنیم به دلایل متعددی برخوردیم خورد که ما به بعضی از آن‌ها به شکل مختصر می‌پردازیم.

(الف) عدم توجه به تفکر و تحقیق و جهل نسبت به دین: پایبندی و اعتقاد به دین نیازمند علم و معرفت کافی نسبت به آن است. ولی متأسفانه امروزه به اندازه کافی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این بی‌توجهی دو طرفه است، بین عامه مردم و کسانی که موظف هستند تا دین را کامل به مردم بشناسانند. افراد امروزه کمتر به سراغ تحقیق درباره‌ی دین می‌روند و اگر متدین‌اند به صورت تقلیدی است. و آن اندک افرادی هم که به سراغ تحقیق درباره‌ی دین و کسب معرفت درباره آن می‌روند گاهی با مطالب نادرست و تعاریف غلط از دین برخورد می‌کنند که این بخش مرتبط با متصدیان نشر دین در جامعه است. نوجوانان آسیب پذیر ترین افراد در این مسئله هستند چرا که در دوره جوانی، فرد به تازگی در حال کسب هویت دینی خود است و این مسئله مانع بزرگی برای ایجاد هویت دینی است. (ب) وجود شبهات و عدم پاسخگویی صحیح نسبت به آن: امروزه که مسائل روز دنیا از طریق رسانه‌های جمعی خیلی سریع منتقل می‌گردد، بازار شبهات هم بسیار داغ‌تر از گذشته است. اما متأسفانه میزان پاسخگویی به شبهات رشد متناسبی نداشته و نحوه پاسخگویی به شبهات هم به روز و متناسب با عصر حاضر نیست. شبهات هر روز شکل تازه و پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. (ج) عدم همخوانی حرف و عمل مدعیان دین: انحرافات و کج روی‌های مدعیان دینی یکی از عامل‌های دین‌گریزی است، چرا که افراد وقتی تناقضات موجود بین ادعاهایی که یک مدعی دین مداری می‌کند را با اعمالش که خلاف

دستورات دین و گاهی خارج از قلمرو انسانیت است، مقایسه می‌کند؛ با چالش‌های عمیقی درباره‌ی دین مواجه خواهد شد و اگر نتواند این مسئله را حل کند قطعاً به دین‌گریزی منجر می‌شود. هرچند این مسئله به صورت کلی غلط است چرا که نباید یک انسان غیرمعصوم را الگوی غیردینی خود قرار دهد. زیرا همه انسان‌های مذهبی و غیرمذهبی در خطر لغزش هستند. بلکه باید شناخت صحیحی نسبت به اصل دین پیدا کرد و الگوی خود را الگوهای معرفی شده از طرف خداوند (پیامبر و ائمه اطهار) قرار دهد. وقتی مظاهر اسلام حقیقی را الگوی دینی قرار دهیم می‌فهمیم که اسلام به ذات خود ندارد عیبی، هر عیب است از مسلمانی ماست. همان طور که در اول بیان شد، دلایل بسیاری می‌شود برای دین‌گریزی بیان کرد مانند: - رفتارهای غلط خانواده نسبت به جوانان - میل فطری انسان به آزادی از قید و بندها - تهاجمات فرهنگی دشمن از طریق تضعیف باورهای دینی و اشاعه فساد و ابتذال، تخریب شخصیت‌های مذهبی و دینی که جوان را آماده کرده و سپس با ارائه الگوهای غربی و غیردینی فرد را از دین‌گریزان و به سمت دنیایی فانتزی و خیالی ساخته شده در ذهن جوان کشانند. هرآنچه گفته شد و آنچه گفته نشد ممکن است که به ذهن شما بیاید، دلایل دین‌گریزی در جوامع امروزی است و هرکدام هم چون زخم‌هایی بر پیکره جامعه، آن را به سمت نابودی سوق می‌دهد.



# دانشجویان جوهر عهدین

« بازخوانی دنیویت دانشجویان »



سینا امیری  
کارشناسی عمران

تاریخ، دانشجو در مقاطع حساس و مهم با حضور فعال خود در صحنه نقش تعیین‌کننده‌ای در موضوعات و مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داشته است. اگر بخواهیم با دقت حوادث و رویدادهای قرن اخیر در ایران را مورد واکاوی قرار دهیم در مسائل سیاسی و اجتماعی بزرگ همچون نهضت ملی شدن صنعت نفت، نهضت اسلامی، جنگ تحمیلی و ... دانشجویان نقش کلیدی ماجرا را بر عهده داشته‌اند و همواره این قشر تلفات جانی و روحی زیادی را متحمل شده است. این مسئله یعنی نقش دانشجو به عنوان بازوی تأثیرگذار در جامعه مدنی همواره عاملی برای بازشناسی و تقویت هویت و روحیه دانشجویان در سراسر ایران اسلامی بوده است. اما آنچه امروز بر فضای دانشجویی دانشگاه‌های ایران حاکم می‌باشد حکایت دیگری را روایت می‌کند؛ گویا دانشجویان نسل جدید از هویت دانشجویی خود دوری جسته و شکافی عمیق میان دانشجو و جامعه مدنی حاکم گشته است. وقتی به بازشناسی علل وقوع این حادثه می‌پردازیم به راحتی می‌توان مشاهده نمود که عوامل زیادی باعث این بحران شده که با ریشه‌یابی این عوامل می‌توان به نتایج مهمی رسید. در ادامه به بررسی چند نمونه از ریشه‌های ذکر شده و راهکار برون رفت از بحران فوق اشاره خواهیم نمود.

## ۱- بحران هویت در دانشجو و دانشگاه

امروزه با ورود سیر مدرنیته به جامعه مدنی و علی‌الخصوص جوانان، مخدري به نام فضای مجازی به افکار عمومی دانشجویان و دانشگاهیان تزریق شده که علی‌رغم زرق و برق زیاد و پتانسیلی

که می‌توان در راستای فعالیت دانشجویی از آن استفاده نمود، دانشجو را نسبت به فعالیت سیاسی و اجتماعی بی‌میل نموده و بسیاری از نیازهای سیاسی و اجتماعی وی را در همان فضای کدایی ارضا می‌کند. با وجود این، فضای مجازی بهره‌های بسیار زیادی برای رونق و توسعه جامعه داشته که نمی‌توان از آنها چشم پوشید. اما یکی از ضررهای بزرگی که به نسل جوان وارد کرده، این بوده که نسل جوان دیگر میل و رغبت زیادی به فعالیت و کنش سیاسی و اجتماعی ندارد. این عامل به خودی خود باعث چالشی عظیم به نام بحران هویت در دانشجو خواهد شد. به گونه‌ای که دانشجو با غرق شدن در فضای مجازی کم‌کم هویت خود را در فضای ذکر شده بازشناسی کرده و در همانجا بستر کاری و فعالیت خود را فراهم می‌کند؛ فلذا رفته رفته از بازیابی هویت خود در دانشگاه و جامعه مدنی باز می‌ماند. راهکاری که برای برون رفت از این بحران توصیه شده، برگزاری جلسات، همایش‌ها و سمینارهای سواد رسانه‌ای و توجیه دانشجویان جهت برخورد صحیح با فضای مجازی می‌باشد. بدون شک تشکلهای سیاسی و دانشجویی می‌توانند نقش مهمی را در این مهم اجرا کنند.

## ۲- مطالبه‌گری دانشجو در دانشگاه

یکی از مهمترین مسائل و رسالت‌هایی که از ابتدای تاریخ دانشگاه‌ها همواره بر دوش دانشجو بوده، بحث مطالبات صنفی و سیاسی دانشجویان از مسئولین دانشگاهی و دولتی بوده است. اهمیت این موضوع زمانی روشن می‌شود که در سخنان اغلب مسئولین نظام اسلامی به ویژه

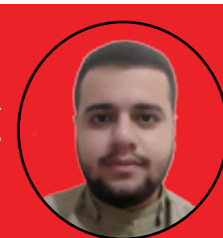
مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) بارها و بارها تأکید فراوان بر مطالبه‌گری دانشجو و جنبش دانشجویی شده است. امروزه علی‌رغم هجمه زیادی که از داخل و خارج بر طیف دانشجو و جنبش دانشجویی وارد شده، مشاهده می‌کنیم مطالبه‌گری دانشجویان در باب مسائل مختلف به ویژه مسائل اقتصادی، سیاسی و صنفی افزایش یافته است. اما وقتی دانشجو می‌بیند برخی مسئولین نسبت به مطالبات ایشان در ابتدا روی خوش نشان داده و سپس سنگ اندازی‌های مختلف انجام می‌دهند، نسبت به مطالبه خود بی‌میل گشته و گاهی حتی شکوه کرده که چرا رهبری یا برخی مسئولین بالا رده نظام جلوی برخی روندهای غلط را نمی‌گیرند. این معضل به خودی خود باعث و بانی کاهش روند مطالبه‌گری دانشجو و جامعه دانشگاهی نسبت به وضع موجود شده و راهکار برون رفت از آن تنها به دست مسئولین و شفاف سازی آراء و رفتارهای برخی مسئولین توسط برخی نهادهای نظارتی می‌باشد.

## نتیجه‌گیری

معضلات ذکر شده به خودی خود دو عامل مهم در عدم بازشناسی هویت دانشجو به شمار رفته که با آگاه سازی وی و تعامل با نهادهای مردمی و دولتی می‌توان ریشه‌ی معضل ذکر شده را خشکاند و به بازیابی هویت دانشجو در دانشگاه کمک شایانی نمود. در موارد ذکر شده تشکلهای و نهادهای درون دانشگاهی نیز می‌توانند با تعاملات سالم در حل بحران ذکر شده کوشا باشند که این به خودی خود نکته بسیار مهم و قابل توجهی است.

# تهاجم فرهنگی

«فرهنگی اروپایی که شاید از بدو ورود خود بر انسان...»



حسین آقالر  
کارشناسی کلمپیوتر



کلمه‌ای که شاید از بدو ورود خود بر روی زمین راهی را برای شروع تمدن و جوامع گوناگون در پیش گرفت و این جوامع بر روی زمین دارای یک شرط اساسی شدند و آن کلمه‌ای بنام فرهنگ بود.

فرهنگ ریشه اصلی و مهم‌ترین زیر ساخت یک تمدن به حساب می‌آید و مهم‌ترین عامل سقوط یک ملت از بین رفتن فرهنگ آن ملت با گذر زمان می‌باشد و آن ملتی که فرهنگ خود را از دست داد شیفته فرهنگ و رسوم تمدن‌های دیگر می‌شود که این عاملی برای گسترش و تبلیغ فرهنگ‌ها در طول زمان شد و بر همین مبنا در طول صدها سال این روند هنوز در حال گسترش و پیشرفت می‌باشد.

تحمیل کردن فرهنگ و رسوم در طول تاریخ صد هزار ساله وجود بشریت، باعث بوجود آمدن جنگ‌های عظیم و بزرگ در طول تاریخ شد، با این حال که خیلی از مورخان بوجود آمدن جنگ‌ها را تصرف آب و خاک تلقی کرده‌اند اما زمینه ایجاد طمع برای کشور گشایی‌ها بروز اختلافات فرهنگی و آداب و رسوم ملت‌ها بود مانند باز پس گیری آندلس پس از سال‌ها از دست مسلمانان، شروع جنگ‌های جهانی اول و دوم.

در این حین که توازن قدرت جهان به دو قسمت شرق و غرب تقسیم شده بود ناگهان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شروع جنگ‌های فرهنگی و القای فرهنگی در کل دنیا شروع به کار کرد و سردمدار این امر ایالات متحده آمریکا بود. آمریکا از دوران پس از جنگ جهانی دوم درگیر انقلابی شدید شد که شاید امروزکل دنیا را فرا گرفته و انسان‌ها را از اصل خویش دور ساخت و

آن انقلاب، انقلاب جنسی آمریکا بود که شاید به جرأت می‌توان گفت کل دنیا را تحت الشعاع قرار داد.

دهه ۶۰ تا ۸۰ در آمریکا دوران پر التهابی را گذراند و دولت‌مردان و اتاق فکر سیاستگذاری در آمریکا درسی را فرا گرفت و آن دور ساختن مردم از فرهنگ خود بود تا بتوانند با استفاده از ابزار صنعت سکس و القای میانی ضد فرهنگی و ایجاد نقص‌های عمده بر آزادی فکری مردم حتی جوامع عظیم تأثیر بگذارند.

ایران نیز در بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۵۵ دچار لغزش‌های فرهنگی شد و حکومت پهلوی با الگو پذیری از فرهنگ کشورهای دیگر و فرهنگ کشورهای غربی در حال آماده سازی تغییر فرهنگ و رسوم هزار چهار صد ساله ایران اسلامی بودند و حتی در بعضی از شهرها آن‌چنان در پی تغییر شیوه فرهنگ ایرانی\_اسلامی بودند که دست به تحقیر ایرانیان کردند و در بعضی از اماکن ایرانیان با حیواناتی چهار پا هم‌رده و هم سطح می‌دانستند و همین امر زمینه را برای بروز انقلاب اسلامی فراهم آورد و مردم در مقابل این تهاجم فرهنگی ایستادگی کردند و در سال ۱۳۵۷ انقلابی رقم زدند ولی ابر قدرت‌های جهان برای نابود کردن این کودک نو پای آزادی تمام توان خود را بکار گرفته و هشت سال جنگ جهانی بر علیه ایران را راه انداختند.

آمریکا و کل جهان وقتی دریافت که ایران در مقابل جنگ سخت مقاوم است و همین امر زمینه‌ساز تهاجم گسترده فرهنگی به کشور ما شد و در مرحله اول آموزش و تربیت دینی در ایران را هدف قرار داد و امروز به سطح الگو پذیر از فرهنگ غرب رسیدیم و امروز مردم به جای اشتیاق به سمت

فرزند آوری به سمت حیوان پرستی روی آورده و یا مثلاً به تازگی از زن به عنوان ابزاری جهت معرفی کالا استفاده کرده و شأن انسانی بانوان را زیر سوال بردند.

تمامی این مشکلات یک سوال در بردارد که این نقص از کجا شروع شد؟

تهاجم فرهنگی در کشور ما به قدری بی‌اهمیت جلوه داده شد که تا امروز کسی نتوانسته جلوی تخریب این امر را بگیرد:

- ۱- سوء مدیریت‌ها در طول زمان
- ۲- ایجاد نکردن بستری مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی
- ۳- سوء استفاده از احساسات اغلب مردم و بها ندادن به حضور مردم در عرصه‌های فرهنگی، آموزشی و تربیتی
- ۴- رها کردن فضا مجازی و نداشتن برنامه مناسب برای حضور عمده سنین مختلف جامعه

## سوء مدیریت‌ها

پس از جنگ تحمیلی ۸ ساله در ایران رؤسای جمهوری انقلاب اسلامی بیشتر به سمت سازندگی روی آوردند و از مسئله مهمی به نام فرهنگ غافل شدند و برای راحتی خود دست به وضع قوانین محدود کننده‌ای کردند و در اوایل انقلاب دیدن یک فیلم یا گوش دادن به یک نوار کاست را تخلف محسوب کردند و همین امر باعث کنجکاوی شدید مردم شد و بعضاً پخش کننده‌های فیلم در جامعه به صورت قاچاق دست به دست می‌شد و روز به روز با پیشرفت تکنولوژی مانند تلفن‌های همراه، تلفن‌های هوشمند و گیرنده‌های ماهواره‌ای در ایران و اهمیت ندادن مسئولین به نیازهای اساسی مردم نسبت به

برقراری ارتباط با دنیا و همینطور خیانت بعضی از افراد جامعه و نفوذ گسترده فرهنگ غربی در دستگاه فرهنگی جامعه باعث از بین رفتن فرهنگ ناب ایرانی در بین مردم شد.

قابل توجه است که روز به روز این امر در حال پیشرفت است و برای مثال چه معنی می‌دهد که یک بازیگر و فرد شاخص ایرانی در کشور بیگانه زندگی کند و برای ایجاد اختلافات و تناقضات فرهنگی وطن خود، همسو با فرهنگ غربی باشد و به راحتی فرهنگ و آیین ده هزار ساله کشور خود را به آیین و فرهنگ کشوری سیصد ساله ترجیح دهد ولی مسئولین با اقدامات خیانت آمیز خود روز به روز نسبت به اینطور رویه‌های غلط میدان داده و حتی هزینه‌هایی را که می‌بایست برای ارتقای فرهنگ یک کشور خرج کنند، در زمین دشمن خرج کرده و بخاطر همین مسئله مردم کشور ما و برای تربیت فرزندان خود بهای سنگینی را پرداخت کنند.

## ایجاد نکردن بستری مناسب برای کار فرهنگی

در کشور ایران شاید چندین مؤسسه در زمینه فرهنگی برای جوانان قدم برداشته‌اند و حتی در کشور هیچ‌گونه زمینه شغلی در راستای کار فرهنگی وجود ندارد و عملاً هیچ بودجه‌ای برای ترویج فرهنگ این کشور در نظر گرفته نشده.

در کشور ما ایران یک شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود دارد که توسط رییس محترم جمهور اداره می‌شود که به گفته یکی از اعضا شورا در کل سال یک جلسه مفید برگزار می‌کنند که آن هم در سطح حرف و نظر می‌باشد و به سطح عملیاتی در جامعه نمی‌رسد و در مقابل مسائلی که گفته شد از حق نگذریم مجموعه‌هایی وجود دارد که با حمایت‌های مقام معظم رهبری و آحاد مردم در حال فعالیت هستند و در زمینه‌های مختلف فرهنگی و حتی در مسائل اقتصادی ورود می‌کنند و باعث ایجاد اشتغال در بین جوانان شده‌اند و همچنین باعث گسترش حلقه فعالیت‌های خود در جامعه شده‌اند.

## سوء استفاده از احساسات اغلب مردم

یکی از موارد نابود کردن فرهنگ جامعه در روزهای حساس انتخابات بیشتر به چشم می‌خورد و اغلب کاندیداها چه برای انتخابات ریاست جمهوری و چه انتخابات‌های مجلس و... به هر امری دست می‌زنند تا بتوانند با استفاده از احساسات مردم، رأی آنان را به نفع خود تمام کنند و یکی از حربه‌های بسیار مورد استفاده کاندیداها استفاده از نام زنان است و یا در تبلیغات خود از زنان استفاده

می‌کنند و همین امری است که امروز فرهنگ غرب به ما القا می‌کند و آن نشان دادن زن به عنوان کالای تبلیغاتی است و متأسفانه هیچ‌گونه برخوردی از سوی مراجع نظارتی انتخابات را در بر ندارد و یا در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ در انتخابات ریاست جمهوری جبهه اصلاحات با استفاده از احساسات مردم در راستای محدود کردن حقوق زنان توانست از احساسات مردم استفاده کند و بر خلاف قول‌های انتخاباتی خود ضربات سهمگینی را به جامعه زنان وارد کرد.

## رها کردن فضای مجازی

در دهه ۷۰ و ۸۰ در ایران با رها کردن بستر فضای مجازی و با آمدن گیرنده‌های ماهواره‌ها و با روی کار آمدن گوشی‌های هوشمند و با توجه به اعمال محدودیت‌های شدید از سوی مسئولین ذریبط برای راحتی خود و نرفتن زیر بار مدیریت فضای مجازی و فناوری اطلاعات و احتیاج میرم مردم به ارتباط گیری با سراسر جهان، بعضی از افراد نفوذی در کشور نسبت به دادن امتیازاتی به کشورهای دنیا در امر فضای مجازی، بسترا برای از کنترل خارج شدن فضای مجازی به وجود آوردند و اینترنت بدون هیچ‌گونه مدیریتی و بدون هیچ‌گونه اعمال محدودیت سنی در اختیار کلیه مردم قرار گرفت.

این درحالی است که طبق آمار بین المللی یونسکو در سال ۲۰۱۹ در ایران ۸۰ درصد از نوجوانان زیر پانزده سال دارای گوشی‌های هوشمند هستند و حتی می‌توانند از اینترنت استفاده کنند ولی این در حالی است که در کشورهای با تکنولوژی مانند روسیه نوجوانان تا سن پانزده سال حق استفاده از گوشی‌های هوشمند و حتی اینترنت بدون مجوز والدین را ندارند.

متأسفانه بودجه سالیانه که برای ایمن سازی

فرهنگ ریشه اصلی و مهم ترین زیر ساخت یک تمدن به حساب می آید و مهم ترین عامل سقوط یک ملت از بین رفتن فرهنگ آن ملت با گذر زمان می باشد و آن ملتی که فرهنگ خود را از دست داد شیفته فرهنگ و رسوم تمدن های دیگر می شود.

و گسترش اینترنت در کشور در نظر گرفته شده معادل ۲ درصد از بودجه کل کشور است که در مقابل بودجه ۳۶ میلیارد دلاری آمریکا ناچیز است.

ایران چند سالی است که وارد ایجاد بستری برای ایجاد پیامرسان‌های داخل بوده است که در بعضی بسیار موفق بوده و برای مثال به پیامرسان داخلی روبیکا اشاره می‌کنم ولی نسبت به جمعیت هدفی که در اینستاگرام و یا توئیتر فعالیت می‌کنند بسیار ناچیز است ولی یکی از عواملی که مانع ورود آحاد ملت به پیامرسان‌هایی از این قبیل می‌شود نداشتن اطمینان امنیتی و پایین بودن سرعت پیامرسان‌ها و یا شایعه پراکنی‌ها توسط فضای مجازی بیگانه می‌باشد. ولی خوب باز هم در این امر خیانت‌های بعضی از مسئولین را شاهد هستیم که امیدواریم به زودی با توجه به نگرانی‌های ملت این امر سریعاً در جامعه اصلاح شود.

در کل در مسائل فرهنگی در ایران و در جهان یک تفاوتی وجود دارد و آن این است که دید مردم ما بیشتر به فناوری‌های غرب می‌باشد و اصلاً به باطن این فرهنگ غلط نمی‌نگرند و نسبت به پیشرفت فرهنگی کشور بسیار ناامیدانه می‌نگرند و در راستای ارتقای سطح تربیت فرزندان خود تلاشی نمی‌کنند و همه این‌ها به صورت دو سویه از سمت ملت و هم دولت در جریان است.





# تَبَلَا

« مصاحبه با محسن آقایی »

✳ پژوهشگر، تهیه کننده، کارگردان، نویسنده و تدوینگر سینمای مستند  
✳ کارگردان مستندهای پرزیدنت آنتور سینما، ایکسونامی، دیوار کش



سجاد ابوئی  
کارشناسی حسابداری



**سوال اول:**

برای آغاز شما به عنوان یک پژوهشگر و مستندساز که دو مستند به طور مستقیم درباره مسائل جنسی تولید کردید الان تب جامعه درباره این مسائل رو چند درجه می بینید؟

دو مدل می توانم پاسخ بدهم. اول این که اساساً خود این مسئله یکی از بنیادی ترین مسائل حیات بشر است. از زمان آدم ابوالبشر تا لحظه ای که حیات در کره زمین وجود داشته باشد، جزء یکی از مسائل اصلی هست. خود به خود جزء مسائل مهم، حیاتی و جدی تاریخ و فرهنگ و توجهات انسان بوده؛ پس در حالت طبیعی بالا هست.

اما این که تب اش به چه صورتی هست؛ این ناشی از تغییرات سبک زندگی هم می شود. مبحث بعدی که شاید این مسئله را از تعادل همیشگی خود خارج کرده هر چند که این تعادل همیشگی هم اهمیت و جایگاه بالایی داشته، این است که در واقع سبک زندگی و نظام سرمایه سالار خیلی روی تب مسئله جنسی مانور می دهد

و برایش خیلی مهم است که این تب هیچ وقت فروکش نکند. یک عطش دائمی وجود داشته باشد که بشود دائم تخیل مردم را به گروگان گرفت و انواع کاسبی را انجام داد. وقتی این تبدیل می شود به فرهنگ عمومی خب طبیعتاً و طبعاً این تب هم می رود بالا. حالا چند درجه بخوام بگویم باید یک قیاسی داشته باشیم.

حالا بگم صد درجه اس خب شما می گوئید کم است یا زیاد؟ باید یک شاخصی بگذاریم، شاخص چی می تواند باشد؟ می تواند نرم جامعه بین الملل باشد مثلاً.

یعنی که این تب در جوامع مختلف چند درجه اس و در جامعه ایران چند درجه. خب بنظرم جوابش واضح است؛ به میزانی که ما در نظم جهانی در واقع همان گلوبالیستی و جامعه بازار و مدرنیته هضم شده ایم و مثل آن ها شده ایم، به همان اندازه مثل همان ها تبعات و مسائل مان هست.

با این اوصاف من احساسم این است که جامعه ایران مثل خیلی از کشورهای دیگر بخصوص

کشورهایی که در گذار از یک بافت سنتی به جامعه مدرن هستند، همچنین چیزی رو تجربه می کند و خب تبش بالا است.

**سوال دوم:**

چرا هم اکنون که در اوایل قرن پانزدهم شمسی به سر می بریم در فضای نخبگانی ایران هنوز باید بحران حول مسائل جنسی رو با صدای آهسته مطرح کنیم؟

من اصلاً قائل نیستم به این مسئله و فکر نمی کنم همچنین چیزی وجود داشته باشد. به نظرم یک حرف کلیشه ای و بی مبنایی بود که گفته می شد سخن گفتن از مسائل جنسی در ایران تابو است. سخت است و داستان دارد، می گیرند و می برند. نه اصلاً قبول ندارم، حداقل از ده سال گذشته به این طرف به راحتی و به وفور درباره این مسئله حرف زده می شود. از صداوسیما بگیر تا بقیه بسترها که وجود داشته. منتهی مراتب یک چیزی وجود دارد که این رو من به شما هشدار می دهم. یک خوانشی دارد این گفتمان رو باز تولید می کند که می خواهد نوع

خاصی از طرح مسئله جنسی رو پیش ببرد. که این گفتمان احساس می کند جلوی بستره است و نمی تواند حرف بزند. در واقع گفتمانی که من بهش می گویم؛ گفتمان صریح.

که می خواهد هی جای خودش رو باز کند. که حتماً داخلش صحبت خلاف حیا هست، صحبت از جزئیات روابط درونش هست و یجورایی اگر بخوام به یک معنایی از منظر خودم توصیفش کنم می گویم: یک نوع گفتمان پورنوگرافیکه بیشتر که این جای خودش رو در جامعه ایران تنگ می بیند برای این که بیاید در پیشانی جامعه قرار بگیرد و شروع می کند به تولید این مدل گزاره هایی که بله در ایران درباره این مسائل تابو وجود دارد و نباید حرف زد، در حالیکه واقعیت نیست.

و إلا حداقل در خود روحانیت و اسلام اصلاً این گونه نیست و اگر بخواهیم یک ریشه فرهنگی برایش قائل بشویم و بپذیریم که جامعه ایرانی نسبت به طرح مسئله جنسی و صحبت درباره اش یک گاردی داشته، من بنظرم می رسد این بیشتر از فرهنگ ایرانیه نه اسلامی. یعنی نوعی از حیا و خجالت به تعبیری غلط؛ اگر قائل باشیم وجود داشته که به نظرم یکم ساده نیست بشود همچنین چیزی رو قائل شد، این باز تولید جامعه ایرانی است. نه ربطی به حکومت دارد، نه ربطی به نظام دارد نه به اسلام، بلکه برخاسته از عرف ایرانی است. الان دیگه این مسئله با صدای آهسته مطرح نمی شود بلکه به فراوان برنامه وجود دارد که به صراحت و با بلندی حتی به غلط، غلط و بسیار آسیب زننده از مسائل جنسی حرف زده می شود و هیچ فشار خاصی روی آن ها نیست.

اما آیا باید ما با صدای آهسته بعضی مسائل رو مطرح کنیم یا نه؟

حتماً قائلم که برخی مسائل جنسی رو حتماً باید با صدای آهسته مطرح کنیم. یکی از اصلی ترین راهبردهای گفتمان ولنگاری اخلاقی این بود که تا جای ممکن با صدای بلند فریاد بزنیم بعضی مسائل و مطالبات جنسی رو، هیچ کاری جزء این نکنی. فقط تو یک کاری بکن که این مسئله سر زبان ها بیوفتد که خود این یک راهبرد جدی هست در این که اهداف توسعه طلبی در شکل و فرم، حد و مرز روابط را بخواهد گسترش بدهد. این برایش (گفتمان ولنگاری) خیلی مهم بود که بخواهد قبح شکنی بکند، تا جای ممکن بتواند صحبت از این مسائل رو به صورت همان طور که گفتم، پورنوگرافیک صریح، مطرح بکند. بنابراین حتما در یک لایه هایی این مسائل رو با صدای آهسته مطرح کنیم اما این که مسئله رو کلاً درباره اش حرف نزنیم حتماً غلطه و اگر هم فشاری برای نگفتن وجود دارد از نظر من این فشار از ناحیه فرهنگ ایرانی است نه فرهنگ اسلامی. این فرهنگ هم به نظر بنده؛ فرهنگ نسبتاً مدرنه، اگر جسارت نباشد، زن سالارانه ای است. یعنی زن سالار هم نمی شود گفت چون در ایران به آن معنای غربی زن سالاری نداریم بلکه بیشتر زن ذلیلانه ای است. که امر جنسی و خواسته جنسی را امری کثیف و پستی می داند و صحبت کردن از این عمل را خاک بر سری قلمداد می کند.

**سوال سوم:**

این غریزه انسانی هم اکنون در بین جوانان به یک معضل عمده تبدیل شده، چرا معضل شد و چرا هنوز برخی کتمان می کنند؟

فکر نمی کنم اتفاق تازه ای بوده باشد، یعنی این بخش که معضل بوده اتفاق تازه ای نیست. حالا

« الان دیگه این مسئله با صدای آهسته مطرح نمی شود بلکه به فراوان برنامه وجود دارد که به صراحت و با بلندی حتی به غلط، غلط و بسیار آسیب زننده از مسائل جنسی حرف زده می نشود و هیچ فشار خاصی روی آن ها نیست. »

کجایش تبدیل شد به معضل؟!

آن قسمتی ازش که از راه صحیح خودش دارد به انحراف کشیده می شود. در بین جوانان خب شاید خودشان نتوانند این رو احساس کنند، در بین نخبگان و از دید دلسوزان جامعه، رفتارهای جنسی جوانان به یک معضل تبدیل شده. چرا شده؟! دلایل تمدنی دارد بنظرم در وهله اول. تمدن فعلی، تمدنی به شدت مسئولیت گریز، لذت گرا، مصرف گرا، شهوت سالار و به شدت مبتنی بر انگیختگی جنسی بدون ارضای اصولی و عمیق است.

یک نگاه مرد سالارانه ای وجود دارد که امر جنسی رو به شدت مبتذل، سطحی، متکثر، مقطعی و کوتاه تعریف می کند که در این نگاه مطلوبیت با تکثر رابطه و تنوعش هست، و این دید را دارند به تدریج به جامعه زنان بسط می دهند.

این مطالبه ای که تا حد زیادی مبتنی بر فیزیولوژی و ساختار زیستی جنس مذکر هست که حالا توسط اربابان سرمایه داری شناسایی شده، داره درونش دمیده می شود و در راه تبدیل شدن به فرهنگ است. چون غلبه بیانی و تمدن سازی عموماً با مردهاست، این رو دارد تبدیل می کند به یک فرهنگ عمومی و زنان رو دارد در خودش غرق می کند.

خب یک سری دلایل اقتصادی رو می شود

حلامی گوید چرا برخی کتمان می کنند. کسی در واقع کتمان نمی کند، درک نمی کنند. سواره ای است که خبری از پیاده ندارد. زیست فردی تصمیم گیران خیلی مهمه در این بحث.



وقتی افراد با فردیت و میل به خودخواهی شون وارد ازدواج می شوند، خانواده پایداری شکل نمی گیرد. به سرعت شما متوجه می شوید که در بستر خانواده نیازها و منافع با هم تزاخم دارند.



درباره اش حرف زد، دلایل هویتی هم می شود درباره اش حرف زد. این تمدن منقطع از وحی، انسان خدایی اومانستی خیلی کارها کرده. یکی از کارهایی که کرده این که مفهوم جنسیت رو خیلی بهم ریخته است. با بهانه مبارزه با کلیشه های جنسی، آمدند ساختار هویتی جنسی رو بهم زدند و مسئله جنسیت رو کلا زیر و رو کردند. الان دنیایی رو داریم که ادعایش این است که داریم مرزهای تبعیض جنسیتی رو برمی داریم اما در اصل دارند مرزهای هویت جنسیتی رو نابود می کنند و می روند به سمتی که نه مرد، مرد است و نه زن، زن است.

نگاه من این است که دارند می روند به سمت جامعه «مردسالار زن ذلیل». یعنی ارزش ها در سطحی ترین لایه هست، مسئله اصلی، مسئله ی قدرته؛ قدرت توی این مدل جامعه خیلی مهمه. زن موفق زنی است که قدرتمند است نه زن عاطفی و منشاء الهام بلکه زن خشن. غیر از این ما مشکلات عدیده اختصاصی خودمان هم داریم.

شما یک جامعه ای دارید که به شدت لذت محور و فردگرا، مسئولیت گریز و تنوع طلب شده. دارد اینگاره های مدیریت اخلاقی تو رو پس می زند و از اون طرف برای افرادی که مقید به مسئولیت

هستند و می خواهند اصولی رفتار کنند، هی دارد زحمت بیشتر می شود. روز به روز مسکن پیچیده تر می شود که حتماً از مرز افتضاح به فاجعه رفته، معیشت خیلی سخت شده، مسئولیت پذیری نیز برای افراد مسئولیت پذیر خیلی دشوار شده است.

حالا می گوید چرا برخی کتمان می کنند. کسی در واقع کتمان نمی کند، درک نمی کنند. سواره ای است که خبری از پیاده ندارد. زیست فردی تصمیم گیران خیلی مهمه در این مبحث. یه دلیل هم اگر بخوایم بپذیریم که کتمانی وجود داره یا نه این است که مسئله سخت و بزرگیه، یعنی اگر مطرح کنیم جامعه پاسخ می خواهد و خب یا جواب ندارند یا بلد نیستند.

#### سوال چهارم:

نقش نهادهای آموزشی کشور اعم از مدارس، دانشگاه، حوزه های علمیه به عنوان متولیان تربیتی در پیشگیری این معضل چیست؟

تا این مسئله را به عنوان یک مشکل تمدنی نبینیم، نسخه هایی که می پیچیم سطحی خواهد بود.

تا وقتی که زیرساخت های جامعه ات تماماً

دارد به این سمت تمدن شهوت سالار، لذت گرا می رود؛ با طرح یکسری گزاره های شبه دانستنی ها و جهت مطالعه به جایی نخواهیم رسید. هرچقدر هم بیای آموزش بدهید؛ در واقع مطالبی رو ارائه بدهید نه آموزش.

فرق آموزش و ارائه چیه؟! ارائه این است که یک چیزی رو بیان می کنم و در معرض دید دانشجو و فراگیر قرار می دهم و آموزش وقتی هست که این رو بهش انتقال بدهم که عموماً ما تو ایران آموزش نداریم یا خیلی کم داریم حداقل. ما ارائه داریم، بحث ها ارائه می شوند. حالا در این بستر وقتی یک سری مسائل رو ارائه می کنید به یک جوان و نوجوان درحالی که آن فرد در یک دنیای دیگری زیست می کند، به جایی نمی رسیم. نهایتش بتوانید یک سرعت گیر باشید. من بنظرم اگر جایی بخواید بعنوان متولی تربیتی در پیشگیری این معضل نقش جدی و موثری داشته باشد، خانواده است. نه مدرسه، نه دانشگاه نه حوزه علمیه. فقط خانواده ای که اول از همه خودش محکم بنیان شده باشد. خودش بر محور عشق، محبت و تعهد و روابط داخلی قوی پایه گذاری شده باشد.

نه خانواده طبقه متوسط شهری متزلزلی که یک

طرفش با سنت های خانوادگی قدیمی تبدیل به ازدواج شده و یک طرف دیگرش با برخی تعاملات روزمره.

یعنی از یک طرف یک آبرویی در خانواده وجود داشته که می گفتن: خب نمی توانیم که ما پسرمون یا دخترمون رو اجازه بدیم همینطوری با یکی باشه و این ها باید ازدواج کنند. یک طرف

دیگه اش انگیزه ازدواج چطور شکل گرفته؟

خب شخص تو دانشگاه یا سرکار هم رو دیدن و با هم ارتباط تعاملی گرفتند که خیلی وقت ها کشش های از نوع غریزه هم تأثیر به سزایی داشته است در این کنار هم قرار گرفتنشان.

نحوه ورودشان به ازدواج نحوه مسئولیت پذیرانه ای نبوده در خیلی از موارد. ورود لذت جویانه ای بوده است. فرد ازدواج را به مثابه یک راهی برای وصال دیده است.

من این زن یا مرد را می خواهم، مورد پسند است به دلایل مختلف و می خواهم او را بدست بیاورم تا که خودم را راضی کنم. تو این صورت بندی که در ذهن شخص شکل گرفته است که بنظرم در صداوسیما ی ما و خیلی جاهای دیگر فقط همین دارد بازتاب داده می شود و افراد با فردیت و میل به خودخواهی شون وارد ازدواج می شوند، خانواده

پایداری شکل نمی گیرد.

به سرعت شما متوجه می شوید که در بستر خانواده نیازها و منافع با هم تزاخم دارند.

آقا، قبل از ازدواج یک خانم تحصیل کرده و زیبا و خوش بگو بخند می خواهد اما بعد از این که بهش رسید فقط می خواهد برای خودش باشد و در دسترس خودش باشد بنابراین سرکار رفتن و هرگونه فعالیت اجتماعی همسرش رو یک مزاحم می بیند، هرچقدر هم که آقا مدرن فکر کند. از آن طرف خانم هم همین طور، یعنی غیر از این که دنبال رفع نیازهای غریزی خود در ازدواج بوده دنبال شأن اجتماعی بوده، دنبال رفاه اقتصادی بوده و نمی خواهد در قبال منافعی که بدست می آورد در واقع هزینه ای بدهد. نمی خواهد بشیند در خانه و به اموراتی روزمره بپردازد. همچنان دلش می خواهد همان الهه ی زیبا که همه تحسین اش می کنند، باشد و کماکان توجه همه را می خواهد.

مثلاً چیزی که من دارم می بینم زیست زن طبقه متوسط شهری در تهران، این صبح به صبح میکاپ می کند و می رود بیرون؛ ولو این که مطمئن باشد در طول روز هیچ فردی که می شناسد رو نمی بیند و تمام افراد غریبه هستند

خانواده سلول بنیادین جامعه است و وقتی این سلول بنیادین دچار اختلال کارکردی می شود، جامعه از بین می رود.



که تغافل می کند و اساساً مسئله رو طرح نمی کند که بخواهد به جواب برسد. چون برایش جوابی ندارد و از کنارش رد می شود و خب مسئله رو به حاشیه می برند. گروه دوم را من جنسش را متفاوت می دونم. کسی که تغافل می کند یک چیزی را، ازش رد می شود و مخفی اش می کند با کسی که سردست می گیرد تفاوت های جدی دارند. آن کسی که می گذارد کنار، نمی توانی بگی از امر جنسی سوء استفاده کرده، اصلاً به این مسئله نپرداخته و فقط رد کرده، که این مسئله خودش آسیب زاست. وقتی در یک جامعه تب بالاس و شما این مسئله رو طرح نکنید، این مهره رو از دست دادید و این انفعاله.

تو مستند هم دیدیم بله فلان شخص تا به قدرت رسید به هر طریق مسئله رو یا کامل انکار می کند و یا بجای ارضای اصولی می برد به سمت تحریک. مثلاً بجای اینکه دغدغه اش را بگذارد روی این که من مسکن رو حل بکنم تا ازدواج آسان بشود، می گوید تو چرا حق نداشته باشی بیای ورزشگاه، مدام باب تحریک را باز می کند و باب ارضا رو می بندد با مشکلات اقتصادی و رانت و...

سوال ششم: افق پیش رو چگونه می بینید؟

اضمحلال تاریخی. و این که حضرت آقا می گویند تمدن غرب از این ناحیه دچار فروپاشی خواهد شد و این قطعیت است؛ از این جهت قطعی است خیلی واضح. خانواده سلول بنیادین جامعه است و وقتی این سلول بنیادین دچار اختلال کارکردی می شود، جامعه از بین می رود. و اینکه شما می بینید این ها هنوز توانستند خودشان را سرپا نگه دارند چون که یک عالمه دوپینگ دارند. از جمله مهاجر پذیری، مهاجر پذیری از مهاجرینی که این ها خانواده هاشون خیلی قوی و درسته. هنوز غرق نشدن تو این فرهنگ لیبرالیسم جنسی و بنابراین دارند از بیرون خودشان رو تغذیه می کنند.

سوال پنجم: در مستند «دیوارکش» شما از سیاستمدارانی گفتید که از مسائل جنسی برای میل به اهداف خودشان در زوایای مختلف بهره می گیرند؛ آیا می توان گفت شاید در این بی تفاوتی موجود نیز نشانه ای از حضور همان افراد در تصمیم گیری های متناسب با معضل وجود دارد؟

ما در مستند دیوارکش به دوتا فرقه اعتراض کردیم. اینکه دو مدل بهره کشی جنسی از بهره کشی سیاسی رو مطرح کردیم. یکی بهره کشی که اهداف خودش رو در بالا نگه داشتن عطفش جنسی جامعه تعریف می کند و یک نوع دیگری

زیاد خوشبین نیستیم که داریم به سمت بهبود می رویم و جریان مذهبی و معنوی داره اتفاق خوبی درونش میوفته که اتفاقاً من برعکس می بینم. این دامنه تنانگی، غریزه محوری، رفتارهای لذت گرایانه در حال پیدا کردن جلی خودش در بدنه جامعه مذهبی هست.

زور بزند. واقعا دیکتاتوری همین است. سرکوب به معنای حقیقی این است. می گوید یه کاری کنم که کسی جرئت نکند به زن چپ نگاه کند؛ جوابش چی می شود؟ جنبش «منم همچین». این جنبش راه میوفتد، بعد یه مدت خود زن ها صداشون درمیاد که گندش رو درآوردید دیگه. اینقدر از این گفتید که دیگر مردها اصلاً ما رو نگاه نمی کنند از ترس اینکه چهار روز دیگه برویم بگوییم این مرد به من تعرض کرد. خودشون هم دیدن اینم خراب شد و بدرد نمی خوره، قرار بود حفظ بشن از یک مسئله ولی نشد.

الان نکته جالبش اینه وقتی به آمار نگاه بکنید وقتی که این جنبش راه افتاد در ۲۰۱۷، تعرض جنسی در آمریکا هر ۱۲۰ ثانیه یک تعرض بود الان رسیده ۶۰ ثانیه یعنی روز به روز بدتر شد که بهتر نشد.

اینم نکته مهمیه که واقعا در سردرگمی گیر کردند و هیچ جوابی واقعا ندارند. درد این است که مسائل رو خود غرب جواب برایش ندارد و اینجا به عده به زور می گویند جواب این است، جواب اینه مثل چی؟ مثل آموزش مسائل جنسی به حالت فعلی.

نوع اجرا بود، کسی این رو نگفت.

سوال هفتم: بعنوان سوال آخر، چه باید کرد تا در داخل همه باور کنند که بر تن این پادشاه لباسی نیست و واقعیت رو بپذیرند و مواجهه ای متناسب با واقعیت اتخاذ کنند؟

باید کم کم روایت هایی که این پادشاه رو نشان می دهد زیاد بشود. هرکسی به سبک خاصی و با روایت های جعلی مقابله کرد که من فکر می کنم تا حدی در این مسیر هستیم انشالله. فیلم ساخت، کتاب نوشت، پژوهش کرد و... البته یکی از جاهای مهمی که باید روش سرمایه گذاری کرد، کل رو باید نشون داد. یعنی تا وقتی کل رو نشون ندهیم که این ریشه پوسیده است که درخت دارد خشک می شود راه به جایی نمی بریم.

تو تا وقتی بیای صحبت از این بکنی که ببین فلان جا تجاوز هست، اشکال هست؛ می گوییم خب بیایم یه کاری بکنیم تا این ها کم بشود، که کاریه خود اروپایی ها دارند انجام می دهند. هیچوقت نمی پذیرد که در آن فرهنگ جنسی که ایجاد کرده است اشکال وجود دارد، هی می خواهد این درخت ها که پوسیده شده اند سرشاخه ها را درست کند، احساس کند من مسئله را حل کردم. اگر تعرض جنسی در سطح گسترده وجود دارد، نمی پذیرد که شاید بخاطر این است که زن را وارد بازی شهوت کرده و هی در آتش این دیگ شهوت دمیده. می گوید خب چیکار باید کرد؟ می گوید آهان باید در دیگ رو سفت تر کرد. هی می خواهد پلیس بازی بکند، هی می خواهد

هست که امید است قبل از این که ما دچار همان مکافات جدی که در غرب هست، بشویم به جهت اینکه آن ها زودتر روند رو شروع کردند، آن ها زودتر دچار فروپاشی بشوند و این فروپاشی هژمونی فرهنگی را نابود بکند و یه بازگشتی به اصول اتفاق بیوفتد. یعنی متوجه بشویم این فرهنگ اشتباه و خراب بود، ایده آل نبود.

غرب خودش فرو بپاشد تا ما آگاه بشویم درواقع. هرچند که تا حد زیادی این اتفاق افتاده و هنوز یک عده ای، کودن کوتوله های داخلی اجازه نمی دهند که آن غرب واقعی رو ببینیم. یک تصویر ایده آل رویایی از غرب رو هنوز دارند بازتاب می دهند که در خود غرب کسی بهش قائل نیست.

این خیلی درد بزرگی است، که آن طرف تا حد زیادی فروپاشیده و گندش در آمده است ولی اینجا یه عده بهش عطر می زنند و نمی گذارند بوی تعفنش را همه متوجه بشوند.

بخصوص وقتی که تو هنوز بخاطر ناکارآمدی های اقتصادی خودت رو شرق می دانی این خیلی بد است. جامعه ایران دیگر جامعه شرقی و سنتی نیست. ما بخشی از غربیم، حتماً و حتماً یک بخشی از مشکلات اجتماعی-اخلاقی و حتی اقتصادی داریم بخاطر این است که غربی شدیم. اما چون مثلاً تولید ناخالص داخلی پایینی داریم، می گوییم نه خب ما اروپا نیستیم که چیزی که من بهش امید دارم مثل شوروی که فروپاشید، ایده های کمونیستی جمع شد. هیچکس نگفت آقا شوروی یک مدلی بود از کسانی که اعتقاد داشتن به کمونیسم ولی بد اجرا شد و ایراد در کمونیسم نیست بلکه ایراد در

افق پیش رو را من از دو منظر با خوف و رجا می بینم. خوفش این است که ما هم با سرعت سرسام آوری به سمت اون فرهنگ جهانی داریم پیش می رویم و درواقع همان مولفه های فرهنگی که جوامع غربی را به این شکل درآورده در ایران بشدت فعال است و به همان اندازه موثر است، اعم از مدرنیته، رسانه، تهاجمات فرهنگی که خاص ایران طراحی شده. کتاب، سینما، هالیوود، شهرسازی مون، روابط و... در جهت همون فرهنگ لیبرال ضد خانواده لذت محوره و با این معنا ما در نزدیک های قله انقلاب جنسی هستیم.

بعضی ها که معتقدن اتفاق افتاده است (انقلاب جنسی در ایران) و چیز خاصی نمانده، یک رودروایستی ریزی برای پذیرش مانده که به سرعت برطرف می شود و مشکل خاصی نیست. جریان موثر جدی هم این طرف شکل نگرفته است. من حقیقتش شاید اشتباه کنم ولی زیاد خوشبین نیستیم که داریم به سمت بهبود می رویم و جریان مذهبی و معنوی داره اتفاق خوبی درونش میوفتد که اتفاقاً من برعکس می بینم. این دامنه تنانگی، غریزه محوری، رفتارهای لذت گرایانه در حال پیدا کردن جای خودش در بدنه جامعه مذهبی هست.

پدیده هایی مثل حجاب استایل ها باز تولید همون گفتمان اند و سر از یه جا در میارند در نهایت. قسمت رجاءش؛ چیزی که من می بینم این

# طبیعت در جنگال مخدر و جنگ



«فرهنگی اروپایی تحریک محیط زیست ایران و جهان»



هما مین فر  
کارشناسی حقوق

## وسعت

آبشارهای خروشان، نور ستارگان درخشان صحراها، زیست‌بوم‌های بی‌نهایت زیبای قطبی، کوه‌های سرافراشته به آفاق، شن‌های گرم بیابان، سردی یخ‌های اقیانوس‌ها و تمام آفرینش طبیعت، در مقیاس بی‌حد و حصر زیبایی و شکوه قرار دارد. انسان، اجتماع، کاروان و قبیله‌هایش هم با چرخه بدهی تولد و مرگ زیباست. جلوه طبیعت و شکوه زندگی انسانی نه در تقابل باهم، که در کنار یکدیگر زیبا جلوه می‌کنند؛ پس باید حافظ و مراقب طبیعت و اجتماع انسان‌ها به موازات هم باشیم. منطق، عرف، اخلاق، آموزه‌ها و قانون، همه حکم به صیانت و حفاظت از محیط زیست می‌دهد. پرودگار برای دعوت به ادامه حیات، انسان را به بهره‌برداری از زمین، آسمان و دریاها دعوت می‌کند؛ و در عوض انسان نیز صیانت و مراقبت از طبیعت را بر عهده دارد.

در آفرینش جهان آنچه قابل شهود است اعتدال است، خداوند حکیم همه‌چیز را به شیوه‌ای معتدل آفریده است؛ اما انسان‌ها با کنش‌هایی سبب می‌شوند که چرخه طبیعت از حالت معمول خارج شود؛ بنابراین حفظ میانه‌روی در کنش و رفتارها منجر می‌شود انسان و طبیعت متعادل و استوار به بقای خود ادامه دهند.

هر رفتاری که از تعادل خارج شود زیان‌بار است؛ کشت و تولید مخدر، جنگ و جنگ‌طلبی از رفتارهای بشر است که از اعتدال منطق خارج است و سلامت و حیات طبیعت و جان‌دارانش را نشانه می‌گیرد و آثار مخرب بسیار بر جای دارد؛ در این نوشتار به بررسی موارد ذکر شده می‌پردازیم.

### تجارت مرگ‌بار

در دنیای کنونی روزبه‌روز بر تعداد و انواع مخدرها افزود می‌شود؛ شماره متقاضیان مواد مخدر در جامعه جهانی رو به افزایش است و این رخداد، تجارت مواد مخدر را به یکی از پر سودترین



تجارت‌های جهانی تبدیل کرده است؛ تجارتی که عمدتاً در کشورهای فقیر و دارای ابعاد مختلف فقر از جمله اقتصادی و آموزشی رخ می‌دهد و در نتیجه نیز برای آن کشور، مردمانش و دیگر جوامع آسیبی در تمام ابعاد و دوباره فقر در پی دارد و فقط منافع عده‌ای را تامین می‌کند.

### تعریف مخدر، ذکر مصداق، نگاهی به آمار و پیامدهای آن

در بررسی این گفتار ابتدا به تعریف مخدر می‌پردازیم. مواد مخدر (Narcotic) یا سرخوش‌نا، نام عمومی برای انواع متنوعی از داروها، سایکواکتیوها (داروی فعال‌کننده روان یا روان‌انگیز یا سایکو اکتیو (به انگلیسی: Psychoactive drug) نوعی ترکیب شیمیایی است که عملکرد مغز را تغییر داده و باعث تغییراتی در ادراک، خلق، خودآگاهی یا رفتار می‌شود. و ترکیبات شیمیایی طبیعی و سنتتیک است که معمولاً خاصیت تسکین دهنده و سرخوش‌کننده دارند و اغلب به دلیل احتمال ایجاد وابستگی به مصرف، جزء مواد اعتیادآور طبقه‌بندی می‌شوند. یکی از انواع گیاهی مخدرها خشخاش است. (خشخاش با نام علمی *papaver somniferum* نام یک گونه علفی یک‌ساله گل‌دار است.

خشخاش به ویژه شیره خشک شده کاس‌برگ آن که به تریاک معروف است، خاصیت آرامش‌بخش و ضد درد دارد. ۲ طبق آمار دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم مرتبط سازمان ملل

منجر به تولید مواد مرگبار مخدر شوند. برای مثال افغانستان که از رکوردداران تولید خشخاش و تریاک در جهان است، در ارزیابی مشترک اداره ملی احصائیه و معلومات (مرکز آمار) و دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل (UNODC) مناطق زیر کشت خشخاش در این کشور ۳۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته و میزان تولید تریاک نیز در افغانستان به ۶۳۰۰ تن رسیده است.

این ارزیابی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۹ خورشیدی حدود ۲۲۴ هزار هکتار زمین زیر کشت خشخاش بوده که در سال گذشته آن ۱۶۳ هزار هکتار زیر کشت خشخاش بوده است و این امر، رشد ۳۷ درصدی داشته است.

افزایشی که در نتیجه‌ی اختصاص و افزایش زمین‌های زیرکشت برای تولید بیشتر خشخاش رخ می‌دهد، تا مخدر بیشتری کشت و تولید شود؛ به مرور آلاینده این زمین‌ها زیاد شده و عناصر طبیعی آن متغییر می‌شود. و جان طبیعت، جانداران، نباتات و موجودات بومی را در جنگال این تجارت کثیف و سیاه محصور می‌کند.

غلام محمد ملکیار از فعالان محیط زیست افغانستان تأثیرات مواد مخدر بر محیط زیست را چنین بیان می‌کند: مواد مخدر در هر سه بعد محیط زیست (بیولوژیکی، فیزیکی و اجتماعی) صدمه می‌رساند. پیامدهای این خسارات در بسیاری موارد غیرقابل جبران می‌باشد. کشت، تولید و استفاده از مواد مخدر، در قدم اول منابع عمده حیاتی را که به اشکال مختلف با زندگی انسان رابطه مستقیم دارد خسارت‌مند می‌سازد. که با تخریب این منابع، سطح بهره‌وری انسان‌ها

کاهش می‌آید. در ادامه، خلاصه‌ای از پیامدهای این امر بیان می‌گردد:

**(۱) جنگل‌زدایی**  
هرگونه مداخله کوچک و بزرگ در مناطق جنگلی، می‌تواند به اکوسیستم و زنجیره غذایی مرتبط آسیب برساند. بارزترین اثر محیط زیستی کشت خشخاش، از بین رفتن جنگل‌ها است. این امر منجر به کاهش منابع اصلی مواد و منابعی که جانداران به آن نیاز دارد، از جمله سلامت انسان و معیشت می‌شود.

توسعه این تجارت حرام در کنار قطع و قاچاق جنگل‌ها، و استفاده از نیروی انسانی و ماشینی برای قطع آن، ناحیه جنگلی را در مناطق مختلف کشور کاهش داده است.

### (۲) تخریب خاک و منابع آب

در مناطقی که تولید و فرآیند تریاک اتفاق می‌افتد، وجود مواد شیمیایی مضر (آلاینده‌ها) در خاک زیاد است و غلظت کافی وجود دارد که خطرات عمده برای سلامتی انسان و اکوسیستم ایجاد می‌کند. این مواد ذرات خاک را به ساختمان‌های غیرکارآمد و بد تبدیل می‌کند. در نهایت باعث از بین رفتن باروری خاک می‌شود و حشرات مفید را نیز کاهش داده یا از بین می‌برد.

### (۳) تخریب منابع متنوع زیستی

عمده‌ترین تأثیر کشت مواد مخدر برای تنوع زیستی، از بین رفتن و تخریب زیستگاه، مناطق گشت‌وگذار حیوانات وحشی و منابع غذایی آن‌ها است. این فعالیت‌ها، حیوانات قابل شکار حیوانات وحشی، ریشه‌کن ساختن جنگل‌های پراکنده و بوته‌ها، درختان و سایر پوشش گیاهی را ترغیب می‌کند. تأثیرات درازمدت و اثرات تخریب

در آفرینش جهان آنچه قابل شهود است اعتدال است، خداوند حکیم همه‌چیز را به شیوه‌ای معتدل آفریده است؛ اما انسان‌ها با کنش‌هایی سبب می‌شوند که چرخه طبیعت از حالت معمول خارج شود.

### (۴) کاهش یا از بین رفتن روان افراد و ارزش‌های محلی

احتمالاً مهمترین خطر سلامتی از قرار گرفتن مستقیم دهقانان، شیره‌کشان، فرایند کنندگان و کارگران دیگر در معرض مقادیر زیادی مواد کیمیاوی زراعتی مورد استفاده در تولید تریاک است. به دنبال آن آلودگی احتمالی منابع غذایی و آب توسط این مواد کیمیاوی صورت می‌گیرد که در اثر بی‌توجهی می‌تواند توسط غذا یا آب آلوده انسان‌ها را آلوده کند.

اگرچه برخی از این مواد برای حیوانات پستاندار و سایر حیوانات نیز بسیار مضر می‌باشد و ممکن است عواقب محیط زیستی جدی را در قبال داشته باشد، اما اطلاعات دقیق در مورد مقادیر مورد استفاده، فراوانی کاربرد و شرایط استفاده در دسترس نیست.

اما به هر مقداری که استفاده گردد، در میان‌مدت و بلندمدت در اثر تراکم بیش از حد در اعضای



آسیب‌های ناشی از جنگ بر محیط زیست سدی بر توسعه پایدار است و نسل‌ها، حیات را با تهدید جدی روبه‌رو می‌سازد. در بکته مثال کافیسیت به سرنوشت هیروشیما و ناکازاکی نگاهی کوتاه بی‌اندازیم.



جذب کننده بدن مشکلات صحنی را به وجود می‌آورد.

**۵) تخریب مزارغ خشخاش و نابودی نباتات و حشرات بومسی و ناباب**

هدف از سیاست ریشه‌کن کردن کنونی در افغانستان این است که کشت و تولید مواد مخدر را حذف یا کمتر بسازد. این عمل بی‌خبر از عواقب آن که باعث از بین رفتن زمین، تخریب خاک حاصل خیز و تغییر شکل دادن ذرات خاک، تأثیرات سوء بار می‌آورد صورت می‌گیرد. روش‌های به کار رفته شامل ریشه‌کن کردن محصول، راه‌گیری محموله، دستگیری و حبس، مصادره تجهیزات و مصادره هرگونه کالای قاچاق مواد مخدر است. استفاده از مواد شیمیایی، ماشین آلات بزرگ می‌تواند اثرات خطرناک برای زمین داشته باشد.

**۶) نابودی حشرات و نباتات مفید از طریق استفاده از مواد کیمیای**

مواد کیمیای مورد استفاده در شیره‌گیری و فرایند تولید خشخاش و تریاک به هروئین، تأثیر ناگوار برای محیط زیست در مناطق تحت کشت به جای می‌گذارد. این عمل خطرناک‌تر از مواد کیمیایی مورد استفاده در تولید آن‌ها است. در سال ۲۰۱۵، یک مشاهده خاص و سریع در مورد اثرات محیط زیستی مواد کیمیای مشخص شده است که بر اثر باران زیاد به آب‌های جاری سرازیر گردیده است. در برخی ناحیه‌ها احتمال از دست دادن میکروارگانیسم‌های میکروب (به فرانسوی: Microbi) ریزسازواره، ریزاندامگان یا میکروارگانیسم (به فرانسوی: Microorganism) جاندارانی‌اند که با چشم غیرمسلح دیده نمی‌شوند. میکروارگانیسم‌ها به دو گروه مفید و مضر تقسیم می‌شوند.<sup>۳</sup> خاک نیز متصور است. در مناطقی که در نزدیکی این آزمایشگاه قرار دارند، آسیب‌هایی به حیات‌وحش، پوشش گیاهی، گونه‌های ماهی یا زندگی پرندگان نیز دیده می‌شود.<sup>۴</sup>

**ارائه یک فرضیه**

اتخاذ سیاست‌های مناسب و به کارگیری آن می‌تواند از تهدیدها، فرصت‌های طلایی بسازد؛ گیاهانی از جمله خشخاش می‌تواند بهره‌وری فراوان در مصارف دارویی و صنعتی باشند، چنان‌چه سیاست‌ها در راستای ایجاد مجوز، با کنترل و نظارت قانونی کشت و تولید این مواد صورت بگیرد، علاوه بر اینکه این صنعت می‌تواند در اقتصاد سازنده واقع گردد، دست افراد سودجو که از این منابع استفاده سوء دارند را کوتاه می‌سازد.



با توجه به اینکه دو کشور ایران و افغانستان همسایه و دارای اشتراکات بسیاری هستند؛ اهداف و فعالیت‌های مشترک این دو کشور می‌تواند مسیری به سوی توسعه و پیشرفت هموار کند. با یک مدیریت صحیح، پرداخته و کارشناسی شده می‌توان ظرفیت کشت گیاه خشخاش مرغوب را با مدیریت و سیاست‌گذاری‌های قانونی، به شکلی به کار برد که این مناطق قطب ایجاد مواد اولیه داروهای آرامش‌بخش و سایر فرآورده‌های مفید از این گیاه و تولید و رونق صنعت‌های سازنده و مولد باشد؛ به گونه‌ای که دست قدرت‌های سیاه را از این ماده ارزشمند کوتاه سازد. به نظر می‌رسد، با ایجاد چنین سلسله عملیاتی و قانونی کردن آن می‌توان رفاه، ثبات و آرامش را در مناطق ملتهب و غیرقانونی این فرآیند فراهم آورد، و با ایجاد و اجرای یک برنامه کارشناسی شده، مسیری را که منجر به تخریب و آسیب است، به سمت توسعه و صنعت سازنده هدایت نمود؛ البته در این راستا باید مطالعات و بررسی‌های عدیده‌ای صورت پذیرد، لذا این مطلب نظر شخصی نویسنده است.

**جنگ، مخرب محیط زیست**

آتش جنگ را گروهی روشن می‌کنند و در شعله‌هایش روح و جان انسان‌ها، طبیعت و زمین است که می‌سوزد و آسیب می‌پذیرد. جنگ در تمامی ابعاد، حیات بشری را با دگرگونی روبه‌رو می‌کند، بسیاری در رخدادهای جنگ کشته شده و شمار بالایی آواره می‌شوند و عده‌ای تا سالیان با عوارض جنگ درگیر هستند. قتل‌عام و نسل‌کشی‌ها، انفجارها و آتش‌سوزی‌ها با تمام تبعات جبران‌ناپذیر و مخربش فجایعی تلخ اما واقعی هستند که صفحات تاریخ هویدای آن است. جنگ‌ها فراتر از تمام آسیب‌ها فردی و اجتماعی، معضلات و آلودگی‌های زیست محیطی

و مخاصماتی است که امنیت و سلامت را در چنگال بیماری و مرگ گرفته است. توافقات بسیاری برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از جنگ میان کشورها و دولت صورت گرفته است؛ به نقل از وب‌سایت سینا (خبرگزاری علم و فرهنگ) در زمینه حفاظت زیست در اصول ۲۴ و ۲۵ بیانیه‌ای که در ژوئن سال ۱۹۹۲ در شهر ریو پایتخت برزیل منتشر شد، به صراحت به نقش ویرانگر جنگ در محیط زیست و نقش مثبت صلح بر توسعه پایدار اشاره شده است. در اصل ۲۴ این بیانیه آمده است «جنگ ذاتاً نابودکننده توسعه پایدار است. لذا، دولت‌ها باید در زمان تضادهای مسلحانه به قوانین بین‌المللی مربوط به حفاظت از محیط زیست احترام گذاشته و پس از خاتمه جنگ در صورت لزوم برای توسعه بیشتر مشارکت کنند.» به علاوه اصل ۲۵ می‌گوید: «صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست وابسته به یکدیگر و غیرقابل تفکیک هستند». با وجود آنکه کشورهای زیادی بیانیه ریو را امضا کردند اما بررسی‌ها حاکی از آن است که جنگ‌ها هنوز بیشترین آسیب را بر محیط زیست وارد می‌کنند. چه بایستی کرد؟!

رفتارهای خرد و کلان ما بر طبیعت تأثیرات بسیار می‌گذارد؛ بشر لاجرم به استفاده از طبیعت است؛ اما انسان بایستی جویای اعتدال در رفتار، کردار و اندیشه باشد.

بدیهی است توسعه و بهبود سبک زندگی بشر با تغییر کاربری بسیاری از منابع طبیعی و معدنی صورت می‌گیرد، اما کنش‌هایی مثل جنگ، کشت، تولید و استعمال مخدرات رفتارهای غیرعقلانی هستند که نه تنها موجب سعادت بشر و زیستگاه نمی‌شود، بلکه انسان‌ها و محیط

فقط در یک مثال، در تحقیقی در سال ۲۰۱۱ توسط نشنال جئوگرافی نشان داد جهش‌های ژنتیکی در مناطق رادیواکتیو برای گیاهان هم بیشتر از بقیه مناطق است. هنوز هم اثرات استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی در جنگ ایران و عراق خاک، هوا و آب مناطقی از کشور زیبای ایران را با خطرات جدی مواجه کرده است. اصولاً جنگ‌ها تغییرات نابه‌نجار و بسیار بر اکوسیستم، طبیعت و زیستگاه دارند. و حتی تا به امروز نیز محیط زیست، طبیعت و جانداران زخم دیده پیامدهای جنگ جهانی اول و دوم، دیگر جنگ‌ها

زیست را در معرض تهدید و تخریب قرار می‌دهد. برنامه‌های بلند مدت و کوتاه مدت می‌تواند حافظ کره زیبای زمین و جهان آفرینش باشد؛ در این راستا به بیان نکاتی می‌پردازم:

۱) اولین و اساسی‌ترین رکن برای کنش و رفتار درست، آموزش است؛ آموزش‌ها بایستی کاربردی، نوع‌دوستانه و زمین‌دوستانه مهم و قابل توجه قرار بگیرد. همچنین رفتارهای اخلاقی و آموزشی باید در جهت صیانت از زیستگاه و طبیعت باشد که روح و جان طبیعت را در کنار جامعه انسانی حفاظت کند.

۲) جامعه جهانی، حقوق و قوانین داخلی و بین‌المللی در راستای حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی، معاهدات، کنوانسیون‌ها و قوانین متعددی وضع کرده است؛ حمایت و اعمال قانون را سرلوحه خود قرار دهیم.

۳) آدمی در شناخت خود به جهان هستی درک پیدا می‌کند، و با دید حق که به آفرینش بنگرد، حقیقت و نور را می‌یابد و به نفس و حق آگاه می‌شود. چنین شناختی موجب می‌شود به ضرورت احترام پی ببریم؛ احترام به نفس، احترام به اجتماع و جهان هستی را به دنبال دارد؛ احترام که شاکله وجودمان شود، بالتبع در جهان معتدل و منطقی زیست می‌کنیم.

۴) با خودمان صلح کنیم، صلح با درون منجر به آرامش بیرونی ماست و آرامش بیرونی ما جهان زیباتری را خلق می‌کند؛ سیاست‌های زدجنگ نه تنها آرامش بشریت، بلکه سلامت زیست را تأمین می‌کند.

۵) جهان با وفور زیبایی‌ها، هزاران تخریب و نقص امروزه در دست ماست؛ در پی اصلاح نواقصش کوشا باشیم و زیبایی‌هایش را پاس

رفتارهای خرد و کلان ما بر طبیعت تأثیرات بسیار می‌گذارد؛ بشر لاجرم به استفاده از طبیعت است؛ اما انسان بایستی جویای اعتدال در رفتار، کردار و اندیشه باشد.



بدریم و حافظ آن باشیم، و آنچه نیاز به بهتر بودن دارد را توسعه دهیم؛ و تهدیدها را فرصت و امتیازی در جهت توسعه قرار دهیم.

۶) اعتیاد به هر چیزی نکوهیده است، خود و سبک زندگی‌مان را جوری بنا و اصلاح کنیم که درگیر اعتیاد نشویم.

۷) جامعه بشری در تمامی دوران‌های حیات خود مجرب جنگ و خون‌ریزی بوده است، و پدیده‌ی اعتیاد و رویکردهای همراه آن، از دوره‌ای به زندگی بشریت راه یافت و تا به امروز شماره بسیاری را در حصار و چنگال نابودی کشانده است. جزء و کل تاریخ موید این امر است. پس بیاید با عبرت، بصیرت، آگاهی و عملکردهای مناسب از رخدادهای تلخ جلوگیری نماییم.

**منابع**

- ۰۱ ویکی‌پدیا، (یک دانش‌نامه آزاد)
- ۰۲ ویکی‌پدیا، (یک دانش‌نامه آزاد)
- ۰۳ ویکی‌پدیا، (یک دانش‌نامه آزاد)
- ۰۴ ملکیار، غلام محمد، ۱۳۹۹، مواد مخدر و اختلالات محیط زیست در افغانستان Narcotics & Environmental Disruptions Afghanistan



# ایران و چالش عبور از تحریم‌ها

«نگاهی منحصر به اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران»

پیمان مهرایی  
پژوهشگر



## + چکیده

**برای** پرداختن به مسئله تحریم‌ها و ابعاد اقتصادی پیوستن ایران در سازمان همکاری شانگهای، لازم است ساختارهای تحریم کننده، به لحاظ کیفی، مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرد. از این رو، پژوهش حاضر ضمن بررسی متغیرهای موجود در ساز و کار تحریم‌ها، نگاهی بر فواید دیپلماتیک چند جانبه‌گرایی در سیاست خارجه خواهد داشت.

## - مقدمه

این روزها، سیاستمداران از احزاب و جناح‌های مختلف، مشغول بررسی ابعاد عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای هستند و از فواید و مضرات اقتصادی، سیاسی و امنیتی آن سخن می‌گویند. به باور من قبل از پرداختن به این رویه باید با مقدمات جنگ اقتصادی آشنا شد. جنگ‌های اقتصادی در بستر تاریخ بیش از پنج هزار سال سابقه دارند و به عنوان مکملی برای جنگ‌های نظامی مورد

استفاده قرار می‌گرفتند. اما در دو دهه گذشته جنگ اقتصادی ماهیت منفردی پیدا کرده و خود به عنوان یک ابزار کاربردی و شاخص، علیه کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. امروز می‌توان با تکیه بر آمار مستند، به جرات ادعا کرد مدرن‌ترین جنگ اقتصادی علیه کشور ما در حال اجراست؛ زیرا نظام سلطه بیش از ۱۷۰۰ تحریم گوناگون، جهت نابودی ارکان ما در همه‌ی سطوح فعال کرده است و بر کسی پوشیده نیست. این حجم از تحریم‌های ظالمانه علیه هیچ کشوری در طول تاریخ سابقه نداشته و خود به عنوان رکوردی عجیب محسوب می‌شود.

## + طرح ریزی استراتژیک جنگ اقتصادی

جنگ‌های اقتصادی در چهار لایه طرح ریزی می‌شود:

۱- جنگ ارزی؛ شکل ویژه‌ای از جنگیدن است که هدف دشمن با ورود به این جنگ، از بین بردن ارزش پول کشور مقابل است؛ یعنی به زمین زدن کشور حریف از طریق قدرت اقتصادی، و به طور اخص با ابزارها و اقدامات مالی. در این بین،

قربانی اصلی و مستقیم این جنگ توده‌های مردمی هستند.

۲- جنگ تجاری؛ این ابزار به تحریم خرید و فروش می‌پردازد و مانع تعامل کشور هدف با سایر کشورها می‌شود و یا کشورهای درگیر این جنگ، با وضع تعرفه‌های سنگین و ایجاد موانع تجاری علیه اقتصاد یکدیگر اقدام می‌کنند.

۳- جنگ تولید؛ بدین معنی که یک نوع جنگ سرد جریان می‌یابد و مانع تولید ما می‌شود. این موانع شامل نفوذ در دستگاه‌های تصمیم‌ساز و اجرایی است که ماحصل آن دزدی تکنولوژی، راکت ماندن تولید، نابود کردن تکنولوژی، ترور شخصیت‌های علمی، اختلال در تولید و ... است.

۴- جنگ منابع، شامل منابع اولیه و استراتژیکی همچون نفت، مس، روی، نیکل، آهن و ... است؛ منابع استراتژیک در کنترل هر کشوری باشد می‌تواند تکنولوژی، و به دنباله‌ی آن جهان را کنترل کند؛ فلذا ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ای در جنگ‌های اقتصادی داراست.

سال ۱۳۹۲ رهبری معظم انقلاب در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از آغاز جنگ تمام عیار اقتصادی علیه ایران پرده برداشت و در نام‌گذاری این سال از حماسه سیاسی و حماسه

اقتصادی نام بردند و فرمودند:

«نکته سوم، تهدیدهای اقتصادی خارجی است. خب تحریم‌ها از قبل بود، منتها این تحریم‌ها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است.»

## - مبنای اجرایی جنگ اقتصادی

جنگ اقتصادی از دانش علوم انسانی بهره می‌برد به این صورت که تعدادی حقوق‌دان خیره در حیطه‌ی حقوق به بررسی موشکافانه قانون کشور مورد نظر می‌پردازند و با توجه به بستر قانونی و ساز و کار اقتصادی آن، مهندسی تحریم می‌کنند که در دو بخش شناسایی و عملیاتی خواهند شد:

۱- لیست تحریمی‌ها (شامل افراد مختلف)

۲- حوزه‌های تحریمی (بخش‌های مختلف)

برای نمونه به سه ابر تحریم حقوقی، یوترن، کاتسا و ایسا که علیه کشور ما اجرایی شد نیم نگاهی خواهیم داشت.

## + جنگ ارزی آمریکا با ایران از طریق یوترن

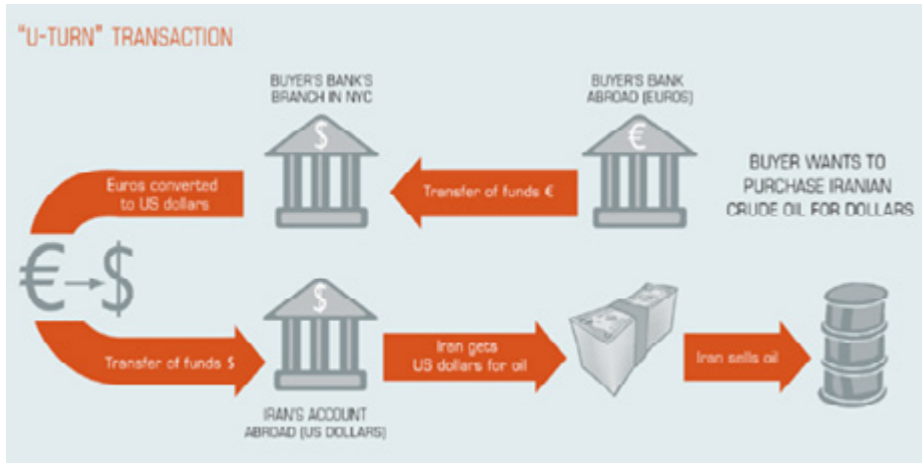
طبق سند استراتژی «دایم پارادایم» آمریکا چهار نوع استراتژی علیه ایران به صورت همزمان اجرایی کرده که در حوزه‌های دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی است.

فصل استراتژی اقتصادی این سند بیان می‌کند که آمریکا با ایران کاری ندارد یعنی ایران را قبلاً تحریم کرده است. این استراتژی اقتصادی در قالب دور برگردان یا یوترن مبتنی بر این است که هر نوع معامله‌ی نفتی ایران با ارزی غیر از دلار، باید در بازار جهانی یا در کشور مقصد، ابتدا به دلار برگردد، سپس معامله رسمیت پیدا کند.

هر کس بخواهد با ایران معامله کند، چه کالا از ایران بخرد و چه کالا به ایران بفروشد، این معامله باید در یک دوربرگردان در نظام مالی آمریکا به دلار تبدیل شود؛ سپس اجازه مرادده با ایران را خواهد داشت.

این همان یوترنی است که معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که آمریکا تعهد برداشته شدن آن را در قضیه برجام به ایران نداده است؛ و این بدین معنی است که ایران در برجام برای هیچ مذاکره کرده است.

در شکل فوق چرخه دوربرگردان یا یوترن را مشاهده می‌کنید.



## - کاتسا و ایسا، مادر و پدر تحریم‌ها علیه ایران

کاتسا؛ به‌عنوان مادر تحریم‌های نظام اقتصادی ایران، مصوب تابستان ۹۶ که در بخش ۱۰۵ آن، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران را حامی تروریسم شناخته و ذیل آن، هر فرد یا شرکتی که با این ارگان نظامی در ارتباط بود در بخشی که پیشتر بیان شد، در لیست تحریم‌های آمریکایی قرار می‌گرفت.

داماتو یا همان ایسا؛ پدر تحریم سرمایه‌گذاری در ایران که سال ۷۵ تصویب و در ۸۵ و ۹۵ توسط اوپاما و بعد از برجام نیز تمدید شد! مطابق ایسا، سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنایع نفت ایران موجب پیگرد آمریکا قرار می‌گرفت.

## - مبنای اجرایی جنگ اقتصادی

طبیعی است کشوری که تحت ظالمانه‌ترین تحریم‌های حقوقی تاریخ بشریت قرار گرفته است دچار چالش‌های جدی در حوزه‌ی اقتصادی باشد و متفکران آن برای مقابله با این حجم از تهدیدات در پی طراحی و مقاوم سازی بدنه‌ی اقتصادی کشور برآیند.

این مقاوم سازی در بستری به همین نام مطرح شد و اقتصاد مقاومتی نام گرفت که شامل بخش‌های مختلفی از جمله دانش اقتصاد مقاومتی و تولید برای رفع نیازهای جامعه است. در بخش دانش اقتصاد مقاومتی، ما باید علاوه بر تولید دانش، از متخصصین حقوق‌دان جهت مقابله‌ی بین المللی با تحریم‌های حقوقی بهره کافی را ببریم.

حال با این پیش فرض به اهمیت پیوستن ایران

به سازمان همکاری شانگهای بیش از پیش واقف می‌شویم زیرا از سیاست‌های چماق و هویج کشورهای سلطه فاصله می‌گیریم و معیشت مردم را هشت سال تمام گروگان سیب و گلابی برجام نمی‌کنیم.

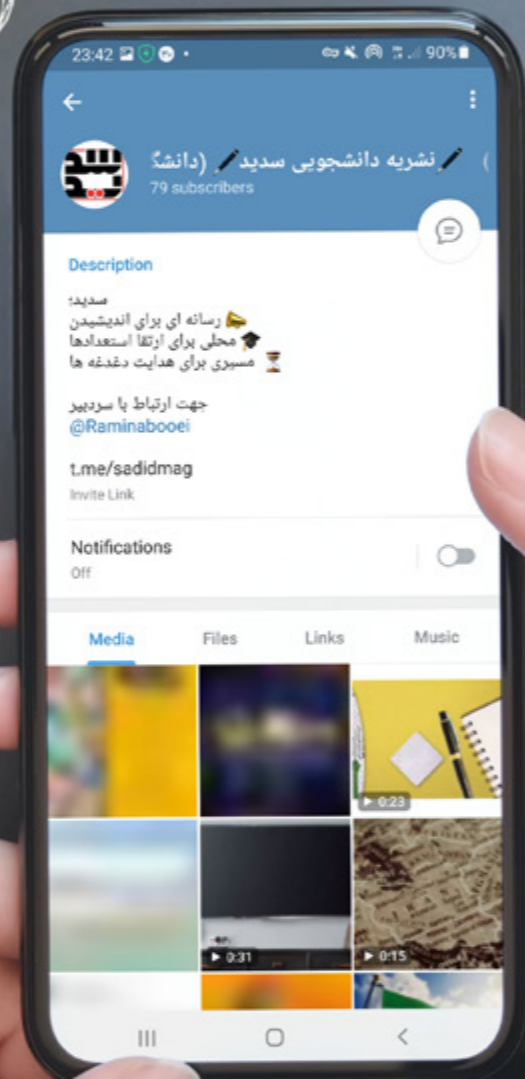
زیرا در شرایطی که آمریکا پیگیر سیاست‌های زورگویانه و یک‌جانبه‌گرایانه خودش می‌باشد، پیوستن به این سازمان عظیم این فرصت را برای ایران فراهم می‌کند که به سمت سیاست خارجه‌ی چندجانبه‌گرایی برود و این پیام را به طرف غربی خود بدهد که دیگر از فشار مضاعف و انزوا خبری نیست.

باید به این نکته توجه داشت که ایران نهمین عضو دائم این پیمان است و کشورهای حاضر در این پیمان، ۲۵ درصد خاک جهان و ۶۵ درصد جمعیت کره زمین را به خود اختصاص داده‌اند و این فرصتی استثنایی برای ایران ایجاد می‌کند تا با فعال کردن کریدور شرق به غرب وابستگی خود را از فروش نفت خام و سیستم اقتصادی دلار به حداقل برساند.

و این بدین معنی است که تجار ما می‌توانند ارز آوری ویژه‌ای برای کشور داشته باشند و تحریم‌های ظالمانه آمریکا و کشورهای اروپایی را خنثی کنیم و تنها در این صورت است که تحریم‌ها می‌تواند یکجانبه و بدون مذاکره از موضع ضعف با طرف غربی برچیده شود، چون تحریم ایران بدون کسب نتیجه مطلوب برای طرف غربی، فقط هزینه‌زایی است و هیچ‌گونه سودی ندارد.

ایران می‌تواند با هوشمندی خود اپدولوژی اقتصاد مقاومتی را در درون خود پیاده و از عضویت در پیمان همکاری شانگهای جهت رفع مشکلات اقتصادی و دور زدن تحریم‌ها و هم‌چنین نفوذ منطقه‌ای و تأمین امنیت و منافع ملی بهره بگیرد.

Stay  
in touch  
with us...



<https://t.me/sadidmag>

با ما  
در ارتباط  
باشید...

در چهارمین و پنجمین جشنواره  
نشریات دانشگاه آزاد اسلامی «قلم»  
خوش درخشید...



رتبه اول مقالات سیاسی

رتبه سوم نشریات سیاسی

رتبه دوم مقالات ویژه با محوریت استقلال و آزادی

رتبه سوم مقالات ویژه با محوریت عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

رتبه چهارم مقالات ویژه با محوریت عدالت و مبارزه با فساد



کتابخانه  
سازمان  
سازمان  
پاییز ۱۴۰۰